

پیشنهاد می کنم که ماده ۷۴ برترتیبی کماحقاً در کمیسیون نوشته شده بود رأی گرفته شود

رئیس - توضیحی دارید

مدرس - توضیح همان است که عرض کردم اینک آقای مخبر فرمودند آن ماده هم مثل همین ماده است بنده عقیده ام این است که یک جهت مباحثی دارد و آن نظر خزانه دار است جهت اینکه (با موافقت از خزانه دار) که نوشته شد نظر دیگری در بین نیست لهذا این ماده که حالا از کمیسیون آمده است متباین با آن ماده سابق است از این جهت این پیشنهاد را درم حال است بنظر آقایان است

رئیس - رأی میگیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای مدرس آقایانی که اصلاح ایشان را قابل توجه میدانند قیام نمایند

(عده قبلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد رأی میگیریم بماده ۷۴ کما غیر از طرف کمیسیون پیشنهاد شده است آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند

(عده قبلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد ماده الحاقیه قبل از ماده ۷۶ قرائت میشود

مضمون ذیل قرائت شد

ماده الحاقیه قبل از ۷۶ طرز تعیین و تغییر شرایط استخدام مأمورین مالی در حدود قانون تشکیلات مطابق نظامنامه خواهد بود کوزیر مالی در تصویب کمیسیون قوانین مالی مجلس شورای ملی خواهد گذرانید

مخبر - این ماده بکلی حذف شده است و یک ماده الحاقیه دیگری بنده از طرف کمیسیون قوانین مالی پیشنهاد کرده ام

(ماده مزبور بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده الحاقیه طرز تعیین و تغییر شرایط استخدام روسای دوائر شعب ادارات و اعضاء مالی مطابق نظامنامه خواهد بود که از طرف وزیر مالی پیشنهاد به تصویب کمیسیون قوانین مالی خواهد رسید

مدرس - بنده عرض میکنم که اگر این نظامنامه است که باید در وزارتخانه بنویسند و در هیئت وزراء و وزارت مالی تصویب شود چون در حقیقت نظامنامه اداری هست بمجلس و کمیسیون قوانین مالی چندان ارتباطی ندارد و باید وزارت مالی برای ادارات خودش نظامنامه ترتیب بدهد که اجزاء وزارت خانه بوظایف خودش عمل کنند و اگر مسئله قانون است که آن هم یک مسئله دیگری است

مخبر - خوب بود آقایان فرمایشی را در موقعی که وظایف مأمور نوشته میشود و جنبه نظامنامه او بیشتر بود میفرمودید بجهت اینکه در آن ماده تا اندازه زمینه مجلس در دست آمده و آقایان نمایندگان نظریات خودشان را اظهار کردند و بالاخره این ماده هم موافق همان نظریات از کمیسیون قوانین مالی پیشنهاد شد ولی در مومی بنده این ماده را پیشنهاد کردم که ماده الحاقیه بعد از ماده ۶۸ حذف شد حالا که ماده ۷۴ هم حذف شد خوب است تضویب بفرمایند که این ماده بر کورده کمیسیون در کمیسیون نظری نموده تا با مجلس پیشنهاد نماید

مفصل است که يك مدت زیادی وقت مجلس را تلف میکنند باین ملاحظه بود که گفتیم از کمیسیون بگذرد وهم چنانکه قوانین عدلیه را کمیسیون قوانین عدلیه وضع کرد این را هم کمیسیون قوانین مالی وضع میکند در حالیکه نمیتوان گفت کمیسیون قوانین عدلیه حق وضع قانون دارد وسایر کمیسیونها ندارد فقط این مطلب برای سهولت بوده است که گفتیم از کمیسیون بگذرد والا از منظر دیگری نبوده چون وقت مجلس را باید مطالب مهمه اشغال کند باینجهت موکول کردیم بکمیسیون لهذا چنانکه آقای مدرس اشاره فرمودند اگر میگویند کمیسیون قوانین مالی صلاحیت ندارد ممکن است یک کمیسیون دیگری که بصیرت و اطلاع او را قانون گذاری زیاد تر باشد رجوع کنند

سلطان العلماء - بنده عرض میکنم هیچ امری مهم تر از مسئله مالی نیست و در هر امری که مهم تر باشد باید بیشتر وقت نظر بشود این بود که عرض کردم اگر مقصود از این نظامنامه نظامنامه داخلی است باید وزیر معین کند و اگر طرح قانونی است باید بمجلس بیاید ام از اینکه آقای مخبر دفاع بفرماید یا نفرماید

ناصر الاسلام - این ماده يك ماده است که تقریباً يك قسمت از اصلاحاتی که ما در نظر داشتیم که در ماده و خزانه داری بشود راجع به همین ماده است و از برای آنکه يك زمینه روشنی برای استفاده اشخاص معین مینماید این نظامنامه از آن نظامنامه های ساده نیست که تصویب آن از وظایف وزیر باشد و میتوان گفت کمیسیون قوانین مالی در این قانون هر قدر وقتی که باید بشود کرده است و در بعضی مواد مهم هم نظر نمایندگان دستجات مختلف را جلب کرده است و میتوانم از روی اطمینان عرض کنم در صورتیکه آن نظامنامه هم بکمیسیون بیاید آقایان اعضاء کمیسیون که در این جا نظریات دستجات مختلف را ملحوظ داشته در آن مسئله هم همین نظر را ملحوظ خواهد داشت

مخبر - منظور که آقای ناصر الاسلام فرمودند نظریات دستجات مختلف مجلس جمع خواهد شد علی الخصوص در مسائلی که مربوط به مسائل خصوصی است و ممکن است متخصصین دیگر هم عضو شوند و نظریات خودشان را بفرمایند و یا اینکه رجوع بیک کمیسیون دیگری بشود که از برای این کار اولی باشد

مدرس - عقیده بنده این است که همین کمیونی که مشغول رسیدگی به این کار بود از برای این نظامنامه است و اولی است بجهت اینکه این کمیسیون از اول تا بحال مشغول رسیدگی که قانون تشکیلات بوده و بخوبی از ترتیبات مسبق است و آن اظهاری که آقای ناصر الاسلام فرمودند بنده تصدیق میکنم که کمیسیون باید خیلی باین کار اهمیت بدهد وسایر آقایان که نظریاتی دارند و کمیسیون مناسب میدانند آنها را بخواهد و نظریات آنها را جلب کند بواسطه اینکه این نظامنامه يك قدری خارج از ترکیب نظامنامه است و يك نظامنامه خاص مخصوص است و خیلی هم وقت لازم دارد و روح قانون در اینجا است و امیتش زیاد تر از خود قانون است

رئیس - این ماده الحاقیه مجدداً قرائت میشود و رأی میگیریم

(مجدد قرائت شد)

آقایانیکه این ماده را تصویب می کنند قیام نمایند

(عده دیگری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد شور دوم در مواد ختم شد - حالا مذاکره در کلیات است آقای سلطان العلماء پیشنهاد شاراجع بخواه است؟

سلطان العلماء - بلی راجع بخواه است

رئیس - مذاکره در مواد ختم شد و دیگر موعه ندارد حالا دیگر مذاکرات در کلیات است

حاج شیخ اسدالله - اگر چه وظایف اداره تشخیص هایدات بعهده بنده خیلی واضح است ولیکن بر حسب مهارت بگذردی ناقص می آید و برای اینکه رأی که داده میشود این مطلب خوب روشن باشد از آقای مخبر سؤال میکنم که توضیح بدهند و در واقع يك ترجمه باشد از برای این قانون و آن این است که یکی از وظایف کمیسیون تطبیق حوالجات رسیدگی به حسابات ادارات صاحب جمع نقدی و جنسی دولت است و این عبارت (رسیدگی به حسابات ادارات صاحب جمع نقدی و جنسی يك قدری بنظر بنده مجمل می آید که آیا این عبارت شامل پیشکاران و امانت نامه میشود یا غیر باین معنی چون کمیسیون تطبیق حوالجات دیوان محاسبات در بیان معنی تطبیق حوالجات دیوان محاسبات رسیدگی به حساب صاحب جمعهای نقدی و جنسی و رسیدگی به حسابهای پیشکاران و امانت نامه است و پیشکاران و امانت نامه باید در آخر هر سال حسابهای خودشان را بدهند و در آنجا رسیدگی شود و حالا که قیام دیوان محاسبات کمیسیون تطبیق حوالجات است باید حساب آنها رسیدگی کند و مفاصا بدهد اگر مقصود این است که به حساب پیشکاران و امانت رسیدگی میکنند خوب است آقای مخبر توضیح بدهند که در واقع يك شرحی از برای این ماده باشد

مخبر - به همین طور که فرمودند می شود زیرا ادارات مالی و ولایات هم يك اداراتی هستند که صاحب جمع نقدی و جنسی دولت هستند و صورت مناسب آنها با ادارات مربوطه داده می شود و آنجا بکمیسیون تطبیق حوالجات فرستاده می شود و در آنجا رسیدگی شده و پس از رسیدگی مفاصای حساب آن هارا معین می کنند و بآنها میدهند

رئیس - آقای حاج شیخ یوسف توضیح میخواهید یا مخالفتی دارید؟

حاج شیخ یوسف - نظریاتی در کلیات آن قانون دارم میخواهم عرض کنم

رئیس - بفرمائید

حاج شیخ یوسف - اولاً خیلی شایسته و سزاوار می دانم که عموم ملت ایران را از موقعیت مجلس و نمایندگان خودشان در وضع این قانون تشکیلات و نسخ قانون ۲۳ جوزا تبریک و تشجیه بگویم و امیدوارم دولت هم موفق شود که این قانون تشکیلات مالی را در حسن جریان بیندازد - سوء جریان پیدا نکند که تمام این زحمات بی نتیجه بماند زیرا علت آنچه موجب افتضاح این مملکت است حقیقتاً سوء جریان قانون است والا قانون ۲۳ جوزا بر حسب مهارت يك مهارت ششمینی بوده و بعهده بنده این است که عده چیزیکه باعث خسارت این مملکت شد این بود که ما يك دولت فمال مقتدری نداشتیم که بتواند جلوگیری از تجاوزات قانون ۲۳ جوزا

بناید و حالا که مجلس شورایی موفق گردید و بر حسب مقتضای زمان و مصالح عموم ملت بعد از ۳ ماه يك قانون تشکیلات مالی ترتیب داده و موفق بوضع يك قانون خوبی شد امیدوارم که دولت هم در حسن اجرای آن موفق شود - تا با از تحمل خدمات زائد از اندازه وظیفه کمیسیون قوانین مالی که در واقع شب و روز مشغول کار بودند از آن هیئت محترم تشکر هم می کنم که سه ماه کاملاً مواظبت کردند این قانون را وضع کردند و از نظر مجلس گذراندند ولی چیزیکه بنده در این مقام تأسف دارم اینست که گمان میکردم در این قانون رعایتی از مردمان بی چاره که در ولایات زندگانی میکنند و دادرسی ندارند میشود ملتی که پول میده ملتی که دسترنج خود را بدولت میده خوب بود يك ماده در این قانون برایشان اضافه میشد و يك مرجع تظلمی در ولایات تأسیس میشد که رفع تعذبات را میکرد و امیدواری بنده فقط این بود که در این دوره يك همچو اداره تأسیس میشود و مجلس يك ماده صحیحی وضع میکند که همین قسم که در مرکز معاکم مالی موجود است به همین قسم در ولایات هم تشکیل شود خیلی خیلی متأسفم که نتوانستم مقاصد خودم را بتوسط يك بیان مؤثری عرض نمایم که بلکه آقایان باهالی بیچاره ولایات هم يك دقتی فرموده یا بنده همراهی نمایند که در ولایات هم شعباتی از معاکم مالی تأسیس شود بنده را که انتخاب نمودند مخصوصاً برای این بود که در مجلس شورای ملی بر حسب وظیفه که دارم جداً بآواز بلند فریاد بزنم که از برای ولایات هم شعبه از معاکم مالی لازم است بنده که از طرف خودم وکیل نشده از طرف ملت ایران انتخاب شده ام از طرف آن عده مردمانی که از دست امانت نامه میده ها دیده و خسارتها کشیده انتخاب شده وقتاً واهم که خودم برای اولین مشاهده کرده ام عرض کردم و از مقام ریاست مجلس شورایی در مقابل اظهارات بنده مساعدتی نشد خیلی خیلی متأسفم که نتوانستم درست بواسطه حسن بیان مقصود خود را حالی کنم و از مقام ریاست هم مساعدت میخواهم و نسبت تعدی واکه بامورین ایالات و ولایات دادم قصد بی احترامی بکنیم مأمورین دولت نبود و مقصود اشخاصی بود که خودم تعذبات تجاوز کارانه آنها را مشاهده کرده ام یعنی آن مردمانی که با جواب یول از مردم میگرفتند یعنی آن مردمانی که بزور تفنگ بجانها میریزند و اموال مردم را بشارت میریزند یعنی آن مردمانی که پانصد نفر پانصد نفر با تفنگ قتل و غارت می نمایند - مرادم رؤسای ادارات مالی نبود زیرا غالب آنها مردمان صالحی هستند بنده همه آنها را محترم میدانم ولی همانطور که بنده خودم در فارس مشاهده کردم ممکن است در جاهای دیگر هم یکی دو تا نظیر آنها پیدا شود باین واسطه تأکید دارم که حتماً باید شعبه معاکم مالی در ولایات تشکیل شود بعد از آن که مأمورین دولت تعذبات میدهند در ولایات شعبه معاکم مالی تشکیل شده و آن شعبات برای جلوگیری از تجاوزات ایشان است البته دیگران طوری که سابق رفتار میکردند نخواهند نمود - باز هم بآواز خیلی بلند وظیفه من است باعوام فریبی با طرف توجه بودن قرار دادن موکلتین خودم این هرایس خودم را جداً عرض میکنم چون

بنده آخوندم و لباس لباس طلبه کی است و لباس من لباس عوام فریبی است بآواز بلند صدا میکنم که لازم است در این قانون يك ماده راجع به تشکیل شعبه معاکم مالی در ولایات باشد که باعث تأمین اهالی مملکت ایران بشود بنده این قانون را ناقص میدانم و در جلسه گذشته هم عرض کردم و با اینکه مقتضی بود جناب رئیس فرمایش خودشان را نسبت به بنده استرداد کنند فرغ عرض بنده از ایشان معذرت میخواهم

رئیس - اولاً بیاناتشان از روز یکشنبه تا کنون خیلی ترفی کرده است تبریک عرض میکنم که خیلی بهتر شده است و امیدوارم هر هفته همین طور ترفی کرده است ترفی کند و تا چند هفته دیگر بقصود خودشان موفق شوند ولی گویا اشتباه کرده اند و نسبت بآن نقطه که آروز شد اگر اظهاراتی داشتند خوب بود همانروز میگفتند و در این موقع وضع قانون و مذاکره در کلیات قانون نمی گفتند بنابراین باز هم مجبورم عرض کنم قسمت اخیر نطق ایشان خیلی بی موقع و بی جا بود

(جمعی گفتند صحیح است)

مخبر - اگر چه يك قسمت از فرمایشات آقای راجع بوضع قانون نبود ولی برای اینکه گفته نشود در مجلس شورای ملی ایران فقط دلسوزی برای احقاق حق و رعایت اهالی مملکت ایران راجع بآقا بود و سایر نمایندگان این نظر را نداشته مجبورم عرض کنم البته این دلسوزی انحصار بیک نفر ندارد البته تمام نمایندگان که از طرف ملت انتخاب شده اند بر حسب وظیفه خودشان این دلسوزی را دارند و منحصراً بیک نفر نیست معنی این است که بعضی از نمایندگان علاوه بر دلسوزی آن وجهه و جنبه صل را ملاحظه میکنند و وقتی در دائره عدلیات نظریات خودشان را وصت میدهند مجبور می شوند فرمایشات آقا را قبول نکنند - مسلم است باید عدلیات را ملاحظه کرد ولی بعضی از نمایندگان مختارند این ملاحظه را نکنند چنانچه این نقطه نظر را که بنده عرض میکنم در جلسه گذشته مکرر آقایان نمایندگان محترم اظهار داشتند این نقطه نظر چه بود این بود که بودجه مملکت تأمین معاکم مالی را در تمام ولایات تجویز نمی کرد و الا ممکن بود تمام نمایندگان با ایشان همراهی کنند و همین طور که در مرکز معاکم مالی تشکیل شده است تصویب میکنند که در هر يك از ایالات و ولایات حتی در تمام دهات ایران هم شعبه آن تأسیس بشود و احقاق حق را با بشود ولی در اینجا نظریات مختلف است بعضی عقیده شان این است که اگر نتیجه عملی نداشته باشد نوشنش روی کاغذ چه بده دارد و نتیجه اینکه امروز در این قانون يك ماده اضافه کنیم و يك تأسیسات کالونی درست کنیم نتیجه اش چه چیز است ولی بعضی عقیده شان این است که حرف را باید زد ام از اینکه نتیجه عملی داشته باشد یا نداشته باشد بعضی هانظرشان این است تا وقتی که بودجه اجازه نمیده بقدریکه فعلاً پول داریم معاکم مالی داشته باشیم پس امرم نظر مالی آن معاکم تأسیس خواهد شد و باین نظر بود که در قانون تشکیلات اسمی از معاکم ولایات و ایالات برده نشده است خود بنده هم اعتراف می کنم که اسم برده نشده است ولی عقیده

بنده آخوندم و لباس لباس طلبه کی است و لباس من لباس عوام فریبی است بآواز بلند صدا میکنم که لازم است در این قانون يك ماده راجع به تشکیل شعبه معاکم مالی در ولایات باشد که باعث تأمین اهالی مملکت ایران بشود بنده این قانون را ناقص میدانم و در جلسه گذشته هم عرض کردم و با اینکه مقتضی بود جناب رئیس فرمایش خودشان را نسبت به بنده استرداد کنند فرغ عرض بنده از ایشان معذرت میخواهم

رئیس - اولاً بیاناتشان از روز یکشنبه تا کنون خیلی ترفی کرده است تبریک عرض میکنم که خیلی بهتر شده است و امیدوارم هر هفته همین طور ترفی کرده است ترفی کند و تا چند هفته دیگر بقصود خودشان موفق شوند ولی گویا اشتباه کرده اند و نسبت بآن نقطه که آروز شد اگر اظهاراتی داشتند خوب بود همانروز میگفتند و در این موقع وضع قانون و مذاکره در کلیات قانون نمی گفتند بنابراین باز هم مجبورم عرض کنم قسمت اخیر نطق ایشان خیلی بی موقع و بی جا بود

(جمعی گفتند صحیح است)

مخبر - اگر چه يك قسمت از فرمایشات آقای راجع بوضع قانون نبود ولی برای اینکه گفته نشود در مجلس شورای ملی ایران فقط دلسوزی برای احقاق حق و رعایت اهالی مملکت ایران راجع بآقا بود و سایر نمایندگان این نظر را نداشته مجبورم عرض کنم البته این دلسوزی انحصار بیک نفر ندارد البته تمام نمایندگان که از طرف ملت انتخاب شده اند بر حسب وظیفه خودشان این دلسوزی را دارند و منحصراً بیک نفر نیست معنی این است که بعضی از نمایندگان علاوه بر دلسوزی آن وجهه و جنبه صل را ملاحظه میکنند و وقتی در دائره عدلیات نظریات خودشان را وصت میدهند مجبور می شوند فرمایشات آقا را قبول نکنند - مسلم است باید عدلیات را ملاحظه کرد ولی بعضی از نمایندگان مختارند این ملاحظه را نکنند چنانچه این نقطه نظر را که بنده عرض میکنم در جلسه گذشته مکرر آقایان نمایندگان محترم اظهار داشتند این نقطه نظر چه بود این بود که بودجه مملکت تأمین معاکم مالی را در تمام ولایات تجویز نمی کرد و الا ممکن بود تمام نمایندگان با ایشان همراهی کنند و همین طور که در مرکز معاکم مالی تشکیل شده است تصویب میکنند که در هر يك از ایالات و ولایات حتی در تمام دهات ایران هم شعبه آن تأسیس بشود و احقاق حق را با بشود ولی در اینجا نظریات مختلف است بعضی عقیده شان این است که اگر نتیجه عملی نداشته باشد نوشنش روی کاغذ چه بده دارد و نتیجه اینکه امروز در این قانون يك ماده اضافه کنیم و يك تأسیسات کالونی درست کنیم نتیجه اش چه چیز است ولی بعضی عقیده شان این است تا وقتی که بودجه اجازه نمیده بقدریکه فعلاً پول داریم معاکم مالی داشته باشیم پس امرم نظر مالی آن معاکم تأسیس خواهد شد و باین نظر بود که در قانون تشکیلات اسمی از معاکم ولایات و ایالات برده نشده است خود بنده هم اعتراف می کنم که اسم برده نشده است ولی عقیده

بنده این است که اگر قسم کوچک بطرف مقصود بر- داریم بهتر از این است که چند قدم بزرگ برداریم و نتیجه عملی حاصل نشود. حرف که کافی نیست پس عدم تشکیل محاکم در ولایات باین نظر بود که بودجه مملکت اجازه نمیداد جهت دیگر گذاشتن و الا تمام نمایندگان بالخصوص طالب احقاق حق مردم و اجرای عدالت هستند.

آقای میرزا قاسم خان - بنده فقط راجع بیک دو جزه از ماده دوم یک توضیحی می خواهم همانطوری که در اینجا گفته شد که کمیسیون تطبیق حوالجات قائم مقام دیوان محاسبات است و تا دیوان محاسبات تشکیل نشد وظایف او را باید انجام دهد و یک جزء از وظایف او در مجمل نوشته شده در ماده دوم راجع باصول وظایف اداره تشخیص عایدات دو جزه آن مجمل است یکی جزء هشتم است که می نویسد (حفظ نمبر و باندرول و تحویل آن با ادارات مربوطه) بنده توضیح می خواهم که حفظ نمبر و باندرول که از وظایف اداره کل تشخیص عایدات تهیه و ساختن آنهم وظیفه اداره تشخیص عایدات است یا وظیفه خزانه دار است کلی هم جزء دوم است که می نویسد (دادن اطلاعات مربوطه بمالیات و عایدات خالصجات و ضرابخانه با اداره محاسبات کل) بنده سؤال میکنم آیا اداره صدور خالصجات از نقطه نظر دستور اداره صدور وظیفه اداره تشخیص عایدات است یا از نقطه نظر وصول و استیصال هم وظیفه او است یکی دیگر راجع بضرایخانه در آنجا هم توضیح می خواهم که نقره را که بجهت سکه میجوهند و آورند از نقطه نظر تجدید و ضراب کثرت راجع به اداره تشخیص عایدات است یا راجع بخزانه دار است.

مخبر - بنده همچو بنظر می آید که در هر سه فقره در جلسات گذشته کلام بنده توضیحی که لازم بود داده ام و خود آقای میرزا قاسم خان قانع شدند و الا در آن قسمت راجع بنمبر و باندرول کلاماً تصریح شده است که راجع بیک اداره است که آن اداره تشخیص کل عایدات است و مقید کردن باین اداره برای یک مقصودی بود آن این بود که تقبیل واقعی در نمبرها و اندرول ها که قائم مقام پول هستند بشود و همین ملاحظه بود که در همین جا نوشته شده که حفظ نمبر و باندرول و تحویل آن با ادارات مربوطه وظیفه اداره تشخیص عایدات است ولی در خصوص ساختن آن نخواستیم ساختن آنها را با اداره تشخیص عایدات راجع کنیم زیرا اداره تشخیص عایدات مکلف بساختن نمبرها و باندرول ها نخواهد بود فقط اداره تشخیص عایدات مأمور تقبیل و حفظ نمبر و باندرول خواهد بود البته ساختن آن با اداره دیگری راجع است و مربوط با اداره تشخیص عایدات نیست و باین نظر بود که دو اداره مختلفه معین شد که یکی مأمور ساختن نمبر و باندرول بشود و یکی مأمور حفظ آنها باشد و این دو اداره حتماً میتوانند یک دیگر را تقبیل کنند مطلقاً مسئله نمبر و باندرول راجع بیک اداره نباشد یک نظر دیگری که راجع بضرایخانه و ضرابخانه فرمودند همین نظر در آنجا هم ملحوظ شده است قسمت راجعه دستور العمل دادن و اداره کردن و نظامنامه و بعضی ترتیبات اداری البته راجع با اداره تشخیص عایدات است مثلاً برای ضرابخانه

می خواهند یک قرار دادی بپندند برای ورود نقره. این قرار داد باید اطلاع اداره تشخیص عایدات و بنظر آن اداره بسته شود همین طور اداره کردن خالصجات که چه طور باید اداره شود مطابق این قانون مسلماً باید در تحت نظر اداره تشخیص عایدات باشد ولی آن چیزهایی که راجع بپایدی و محصول آنها است مثل سایر عایدات که قابل ششم و گفتم یکی از وظایف خزانه دار تمرکز دادن بعایدات دولت است راجع بخزانه دار است پس تمام عایدات چه خالصجات و چه ضرابخانه و چه عایدات مملکتی تمام اینها از وظایف خزانه دار است و فرقی نمی کند عایدات ضرابخانه هم جزء عایدات مملکتی است بالاخره آن قسمتی که راجع بعایدات است راجع بخزانه داری شود.

حاج شیخ یوسف - در دوره سابق که اسم او را استبداد می گذاشتیم معمول بود که حکام که می خواستند ولایات بروند یک نفر وزیر یا خودشان می بردند بعنوان پیشکار مالی و یک صورت حساباتی آتوزیر از برای حساب خودش با سایر مأمورین که مأمور وصول و انفصال بودند ترتیب می داد که من حالاً درست نمی توانم او را تفسیر نمایم مثلاً در آذربایجان فقط چند نفر تحصیلدار اکتفا میکردند امروز که دوره حکومت ملی است تقبیل تحصیلداری از بین رفته است و مشاهده می کنیم مثلاً برای اخذ مالیات آذربایجان باید دولت مجبور باشد که بانصد نفر سوار و چند نفر پیاده بگیرد می خواهم از آقای مخبر سؤال کنم در توضیح بنده وقتی که وصول و انفصال عایدات را بخزانه داری دادیم دیگر بانصد نفر سوار و پیاده از برای چیست که باید دو هر شهری یک مقدار سوار و پیاده برای وصول عایدات معین کنیم که این مالیات را جمع آوری کنند آیا این حکام که از مرکز میروند و ماهی هزار تومان هزار و بانصد تومان حقوق میگیرند با اینکه نظام سوار برای وصول مالیات بگیرند و بالاخره نتیجه بانصد سوار منتهی میشود که از یک شهر کارزون که یک شهر تجاری است سی کرور اموال مردم را بغارت ببرند.

مخبر - خوب بود تأمل میفرمودند و این فرمایش را در موقع آمدن بودجه میفرمودند زیرا اینجا مذاکره در خصوص قانون تشکیلات مالیات است و این فرمایش حضرت عالی راجع بیوجه است زیرا که در هیچ جای قانون تشکیلات مالیات نی نوشته نیست یعنی کرد در فلانجا فلان امین مالیات بانصد سوار خواهد داشت یا نخواهد داشت این قسمت اظهارات حضرت مستطابالی از قانون تشکیلات مالیات خارج است بلکه این فرمایشات جنبایی راجع خواهد بود بیوجه ولی چون از بنده سؤال کردید مجبورم عرض کنم که اداره شدن تمام ادارات باید برطبق بودجه باشد تا وقتیکه بودجه به مجلس نمانده است و تصویب نشده است معلوم است عمل کردن آن بسته بیک ترتیبی است که دولت در نظر گرفته و اینکه فرمودید برای اخذ مالیات بانصد سوار و پیاده گرفته می شود تصور نمیکنم باین قبیل ترتیبات تا حال رفتار شده باشد ممکن است در موقع احتیاج یکی دو دقیقه بر حسب لزوم چند نفر سوار داشته

و این کار را کرده باشند اما نظر شخصی بنده این است که در همه جا لازم نیست ادارات مالیات مأمورین مخصوص داشته باشند بواسطه اینکه در آن نقاط البته یک عده قوه کافی است و ممکن است آن قوه و استعداد را صرفاً بکار نمایند ولی بعضی جاهاست که برای وصول مالیات اداره مالیات باید یک قوه مخصوص بنام قوه مالیات وصول کنندنده محتاج می شود بنده نمی گویم همه جا لازم است و البته در هر جای که قوه است ولی ممکن است در یک نقطه یک قوه دولتی لازم باشد در آن صورت وزیر مالیات حکم میکند و تا چهار تا سوار آورد آنجا بگذارند که مالیات وصول شود ولی برای همه جا بنده تصور نمیکنم که مقتضی نباشد این کار را بکنند.

رئیس - گویا شما اگر در کلیات کافی است رای میگیریم به کلیه این قانون.
مخبر - آقای عبدالسلطنه نظرشان این است که ۳ ماده از این قانون مانده است ممکن است بصورت مجلس رجوع شود و این مسئله تعقیب شود.
عماد السلطنه - گمان نمیکنم در دو سه ماده که در نوشته بود زایل کرده نشده باشد.
رئیس - در جلسه گذشته بنده نبودم مخبر باید مسبق باشد که رای داده شده باشد.
مخبر - بنده مسبقاً هم رای داده شده ولی چون سه برای ایشان حاضر شده بود خواستم تصریح شود که رای داده شد.

نظام السلطان - بنده در وظایف اداره محاسبات یک پیشنهادی کرده بودم قرائت نشد.
رئیس - راجع بکلیات است در کلیات کافی شود پیشنهاد کرد خوب بود قبل از اینکه داخل کلیات شود رای میگیریم باین قانون تشکیلات وزارت مالیات که متضمن ۷۶ ماده و چند ماده الحاقیه است آقایانیکه کلیه این قانون را به ترتیبی که در مواد آن رای داده شده تصویب میفرمایند قیام نمایند.
(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - قانون پستی هم جزء دستور بود ولی چون وقت تنگ است مینامند برای جلسه دیگر. جلسه بعد روز ۳ شنبه دستور هم قانون پستی است تعیین وقت هم بسته بقرار دادی است که حالا معین خواهند کرد چون پیشنهاد کرده اند جلسه چهار ساعت قبل از ظهر تا یکساعت بظهر مانده منتهی شود.

سردار سعید - چون صبح ها دماغ هاراحت تر و هوا سردتر است بنده گمان می کنم اگر صبح ها مجلس منعقد شود یعنی چهار بظهر مانده مفتوح شود و یکساعت بظهر مانده ختم بشود بهتر است باین لحاظ این پیشنهاد را کردم.

سردار معظم - بعقیده بنده جلسات صبح اصلاً صحیح نیست اهم از اینکه چهار ساعت بظهر مانده با سه ساعت بظهر مانده باشد چون افتتاح جلسه بسته با اختیار نمایندگان و رئیس است ولی اختتام جلسه بسته به پیش آمد کار است و ممکن است یک کاری برای مجلس فوق الاماده پیش آید دو سه ساعت بیشتر از اوقات معمولی طول بکشد اهم از اینکه پیشنهاد بکنند یا نکنند هیچ فرقی نمی کند بالاخره اگر بنده بیک جهتی نتوانستم حاضر شوم

تعمل بیک جرمی خواهم کرد و یکساعت دیر تر خواهم آمد و این را ملاحظه فرموده اند که معمولاً می بینیم برای هر ساعتی که وقت معین شده است غالباً یکساعت یا یکساعت و نیم بعد مجلس تشکیل شده است دو صورتی که سه ساعت بظهر مانده نمی توانند حاضر شوند چهار ساعت بظهر مانده بطریق اولی حاضر نخواهند شد بنده عقیده ام این است که کلیه جلسه صبح معین شود مگر کار کردن می شود خوب است جلسه صبح موقوف شود مگر کول به عصر شود اگر می فرمایند هوا گرم است ممکن است یکساعت بشروب مانده جلسه تشکیل شود تا دو ساعت از شب گذشته که اگر یک کار فوق الاماده پیدا شد ممکن باشد یکساعت یا دو ساعت بیشتر کار کنیم ولی اگر قبل از ظهر باشد ممکن است کار زیادتر باشد و ظهر که شد حتماً باید جلسه ختم شود و کار زمین خواهد ماند بنا بر این اختتام جلسه نباید محدود بوقت باشد و باید محدود بکار باشد و باین جهتی که عرض کردم بنده اصلاً با جلسه صبح مخالفم و عقیده ام این است جلسات عصر تشکیل شود.

رئیس - چون آقایان از این مسئله مسبق بودند گمان می کنم بیشتر از این مذاکرات لازم نباشد رای میگیریم به پیشنهاد آقای وقار السلطنه یعنی از چهار ساعت بظهر مانده تا یکساعت قبل از ظهر آقایانی که تصویب می کنند قیام نمایند.
(عده قلیبی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد پس جلسه همان سه ساعت قبل از ظهر است.
(گفته شد برای عصر هم رای گرفته شود)
رئیس - برای عصر در جلسه گذشته رای گرفته شد در روز گذشته است.
(جلسه سه ربع بعد از ظهر ختم شد)

جلسه ۴۶ صورت مشروح جلسه شنبه بیست و چهارم شهر رجب المرجب ۱۳۲۳

مجلس تقریباً دو ساعت قبل از ظهر در تحت ریاست آقای سلیمان میرزا نایب رئیس تشکیل و صورت مجلس روز شنبه قرائت گردید.
غایبین بدون اجازه آقایان حاج اسام جمعه - حاج شیخ اسمعیل.
با اجازه آقایان ناصر الاسلام - مشارالدوله.
نایب رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی هست (اظهاری نشد)

صورت مجلس تصویب شد دستور امروز شور دوم در قانون پستی است از ماده چهارم (ماده چهارم بهضمون ذیل قرائت شد)
ماده ۴ - فرمانده هر جاهی که وارد یکی از بنادر ایران میشود یا در حین عبور در آنجا لنکر میندازد باید مراسلات و سایر اشیاء راجعه بامتیاز انحصاری پست را که در کشتی موجود است بنزدیکترین دفتر پست تحویل بدهد ولی اشیاء ذیل از این قانون مستثنی است.
اولاً - مرسولاتی که بعنوان پستخانه دیگری غیر از پست خانه مذکور است و یا بعنوان یکی از دفاتر پست خارجه است که باید همان کشتی بقصد برساند تا باین اوراق راجعه بپاره های کشتی که در پاکتهای سر باز باشند مخارجی که بفرماندهان کشتیهای

اتفاقی بجهت حمل پاکتها و سایر اشیائی که از ممالک ماوراء البحر یا بدان ممالک ارسال میشوند باید تأدیه شود از طرف دولت معین خواهد گردید.

نایب رئیس - در قسمت اول این ماده نظر باین نیست (اظهاری نشد) در قسمت اول و دوم و سوم از مستثنیات هم نظری نیست رای میگیریم بماده چهارم آقایانیکه موافقت قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - اکثریت است - ماده پنجم قرائت میشود.
(بهضمون ذیل قرائت شد)
ماده پنجم - آنچه اکتفاً ممنوع است

اولاً - جا دادن پاکتها و لوازمیکه سر باز باشد و یادداشتی که در حکم مکاتبات شمرده میشوند در امانات پستی سریع السیر و امانات پستی بطعی الهیرو بسته های روزنامهجات و مطبوعات و مستوره های تجاری و اوراق کار که حقوق معقده پستی بآنها تعلق می گیرد.
ثانیاً مکاتبات شخصی و مرقومات و ملامت بیکه شبیه بآن است در روی لافافه مرسولاتی که حقوق مخفیه پست بآنها تعلق میگیرد باستثنای مکاتبه که فصل بیستم این قانون در روی کارت ویزیت اجازه میدهد ثالثاً جادادن اسکناس و حوالجات باسم حامل و مسکو کات در مرسولات بیمه نشده و غیر سفارشی رابعداً جا دادن اسبابهای طلا و نقره و جواهرات و سایر اشیاء قیمتی و قطعات پول در پاکتها و لوازمیکه بیمه یا سفارشی شده باشد و در سایر مرسولات پستی غیر از امانات پستی بیمه شده.

نایب رئیس - در قسمت اول از ماده پنج نظر باین نیست.

(اظهاری نشد)
در قسمت دوم هم نظر باین نیست.
حاج شیخ حبیب الله - این جا نوشته شده است (مکاتبات شخصی) این معنایش یک قدری عیب دارد مکاتبه از دو طرف است باید نوشته شود کتابت و مرقومات.

نایب رئیس - مگر آقای رئیس یاد آوری فرمودند که اصلاح عبارتی راجع بکمیسیون است اگر در موضوع مکاتبات یا کتابت نظر باین دارید بکمیسیون اظهار فرمایند اصلاح می شود.
حاج شیخ حبیب الله - مقصود این است که لفظ (شخصی) لازم نیست باید هر قسم کتابت ممنوع باشد قید شخصی لازم نیست و این اصلاح عبارتی نیست.

نایب رئیس - در قسمت سوم مخالفی نیست.
سر دار معظم - اولاً یک مسئله اساسی در این جا هست که درست برای بنده روشن نیست و آن اینست که هر کسی مختار است هر نوع تصرفی در مال خودش بکند وقتی که بنده پاکت خود را بیمه نمیکنم یعنی حاضر برای مضارعت آن هستم دیگر تصور نمیکنم که یک اداره نسبت بیول من از خود من دلجو تر باشد من چون پاکت خود را بیمه نکرده ام از خودم حق اعتراض را سلب میکنم ولو این که کم شود از طرف دیگر اداره بچه طریق می تواند حس کند که بنده اسکناسی که حکم یک کفندی را دارد جوف کافتم گذاشته و فرستاده ام

فرض کنیم چنانچه بعضی ها می گویند اسکناس را بشود در پاکت حس کرد ولی حواله باسم حامل را می شود حس کرد و بطور می شود فهمید که در پاکت حواله باسم حامل گذاشته شد یا کافند احوالی را می بیند وقتی که ما یک همچو چیزی وارد اختتام گذاشتیم ممکنست در بعضی مواقع پاکتها را باز کنند و بگویند ما حس کردیم در جوف این پاکت حواله باسم حامل هست و چون مطابق قانون حمل حواله باسم حامل ممنوع است ما باز کردیم بعد دیدیم اشتباه کرده ایم بنده اساساً تصور می کنم که این مسئله هر دو فقره اش بدست و بهتر این است این فقره حذف شود و اگر به این حال بماند اسباب اشکال خواهد شد.

معاون وزارت پست و تلگراف - بنده برعکس گمان می کنم نوشتن این ماده خیلی لازم است برای این که این طوری که فرمودند سلب آزادی از مردم نمی کند برعکس اداره پست بخواهد حقوق آنکس را که اسکناس نه برات در جوف پاکت می گذارد حفظ کند لهذا این را اکیداً ممنوع می کند ولی آن شخص مختار است بخواهد بگذارد لکن چون اداره پست مکلف است پاکت مردم را برساند رای این که مردم بدانند اداره پست مسئول نیست و باید بترتیب بیمه شده بفرستند تا اداره پست در موقع مفقود شدن بتواند از عهده غرامت بر آید این است که میگوید این مسئله اکیداً ممنوع است حالا مردم می خواهند بگذارند بختراند بنا بر این بنده این ماده را که در اینجا نوشته شده خیلی لازم میدانم.

وحیدالملک - نظر بنده همان نظر آقای سر دار معظم است که اگر این فقره حذف شود بهتر است چون فقره اول و دوم اگر مجزا نشود به اداره پست ضرر می خورد اما در این فقره اگر پاکتها کم شود ضرر بفرستنده می خورد و این فقره وجودش هم لازم نیست باید حذف شود.
معل الدوله - بنده تصور میکنم اگر یک جزئی دقتی در این ماده شود تصدیق بفرمایند که لازم است این مطلب نوشته شود حالا تصحیح عبارتی را حرفی ندارم که اگر بخواهند تصحیح بشود و عبارت روشن تر و واضح تر نوشته شود ولی مفهوم نباید تغییر کند مقصود از این ماده این است که باید معین شود که هیچ کس قانوناً و معمولاً حق ندارد اسکناس یا برات باسم حامل در پاکت بیمه نشده بگذارد یعنی اگر چنانچه یک کسی پاکت فرستاد و کم شد حق ندارد شکایت کند و بگوید فلان دلیل فلان شاهد فلان قدر پول در پاکت خودم گذاشتم و اجزاء پست مطلع شده اند که در این پاکت پول است و مخصوصاً برداشته اند و قبض سفارشی هم در دست دارم و در وقتی که وجه را میگذارم فلان و فلانکس حاضر بودند و شاهد هستند بطور شد است که پست را نزنه اند و فقط پاکت من مفقود شد. در این صورت در جواب آن شخص میتواند بگوید چون قانوناً ممنوع بود شما یک چنین کاری بکنید و خلاف قاضه کرده اید حق مطالبه ندارید پس وقتیکه قانون یک کسی را از یک امری منع میکند برای جلوگیری از اظهارات اوست عرض کردم عبارتی که نوشته شده قابل تعریف هست ولی مقصود باید نوشته شود و لیکن اگر بطور مطلق بگذاریم و بگذاریم همانطور که عرض کردم ممکن است یک روزی یک شخصی بیاید و بگوید که فلان

یا کت را به پستخانه دادم فقط پاکت پند نرسیده و تمام پاکتهای دیگر رسیده است و با چراغ الکتریکی احساس کرده اند که پول در آن پاکت بوده است با توسطه باز کرده اند و سرقت کرده اند برای اینکه یک همچو چیزی واقع نشود قانون باید قید کند که گذاشتن اسکناس و حواله باسم حامل در پاکتها ممنوع است

سردار معظم - بنده تصور میکردم در اشکال بنده جوابی داده خواهد شد که بنده را قانع خواهد کرد ولی می بینم که مذاکره نقل و انتقال بیک صحبت دیگری پیدا کرده و آن بحث رفع اشکال بنده را نمیکند ولی اگر بنده رفع اشکال آقای معتمدالدوله را کردم باید ایشان هم باینده همراه باشند ایشان از موسی که برای نوشتن این ماده میدانند این است که اگر یک کسی بیاید بگوید من یک کلفی داده بودم و چطور شده است نرسیده بتوانند بگویند تو حق مطالبه نداری برای این کار ممکن است در قانون بنویسیم که اداره پست فقط مسئول رجوعی خواهد بود که در کلفهای بیمه شده فرستاده میشود و الا هیچ نوع مسئولیتی در مقابل وجهی که در کافدهای بیمه شده فرستاده میشود باو تعلق نمیکند آنوقت اگر بنده آدم و یک ادعائی کردم ممکن است اداره پست بگوید من بموجب این ماده مسئولیتی ندارم و در قانون نوشته شده است که من فقط مسئول کافدهای بیمه شده هستم پس از این راه اشکال خیلی سهل مرتفع میشود ولی اصلاً بنده یک اشکالی دارم که معلوم میشود یک اختلاف نظری در اصل ایجاد پستخانه است پستخانه برای چیست؟ پستخانه فقط برای سهولت مردم و رساندن کلفهای مردم است دیگر حق تعیین تکلیف برای مردم ندارد اگر بنده بخوام یک اسکناس صد تومانی را از جیب خودم بیرون بیاورم آتش بزنم یا پاره کنم کسی حق دارد جلوم را بگیرد و اگر یک حواله باسم حامل داشته باشم بخوام پاره کنم بیندازم دور کسی حق دارد جلوم را بگیرد؟ خیر پس چطور شده است در تمام این شقوق مختار هستم ولی در موقع (ریسک) و خطر انداختن پول خودم توسط کافدهای بیمه شده حق ندارم این یک چیز فریبی بنظر بنده می آید من با وجود اینکه بدانم وقتیکه پول خودم را در پاکت بیمه نشده میفرستم اداره مسئول آن نیست یعنی اگر کم شود کسی مسئول آن نیست دیگر شما چطور میخواهید این حق را از من سلب کنید که پولم را بفرستم دلم میخواهد بفرستم دلیلی در مقابل نیست که یک کسی از من جلوگیری کند که پول خودم را بخطر بیندازم اداره پستخانه حق دارد خودش را محفوظ بدارد و بگوید پول ها و حوالجاتی که در کافدهای بیمه شده فرستاده میشود مسئول آنها پستخانه نخواهد بود این حرف منطقی است و مازاد آن منطقی نیست علاوه یک قسمت عملی در اینجا هست و آن این است که آیا اداره پستخانه از کجا و بچه وسیله میتواند بفهمد که در میان پاکت من یک اسکناس یا یک حواله است یا یک کافدهای احوال بررسی است؟ پس برای اینکه بتواند بنامه قانون عمل کند طبقاً حق پیدا میکند که کافدها را باز کند و به بیند در جوف آنها کافدهای احوال بررسی است یا حواله باسم حامل است آنوقت آن مسئله مهم که محفوظ ماندن مراسلات مردم از تفتیش بود از میان

میرود و بواسطه یک چنین ماده که در این قانون گذاشتیم میتواند متوسل بآن بشود و بگوید چون قانوناً بن اجازه داده شده است حوالجات باسم حامل را حمل نکند و مجبور بودم بوظیفه قانونی خود عمل کنم لهذا این پاکت را باز کردم برای اینکه ببینم کافدهای احوال بررسی جوف او است یا حواله باسم حامل پس این ماده نه راجع بحق مالکیت اساسی دارد و نه در عمل نتیجه خوبی خواهد داد و بنده میدانم بچه علت باید یک چنین ماده را در اینجا بگذاریم که اسباب زحمت بشود بنا براین بنده تصور میکنم باید این فقره در این ماده حذف شود و برای اینکه یک اشتباهی حاصل نشود و اشکالی که آقای معتمدالدوله فرمودند تولید نشود ممکن است در قانون تصریح کرد که اداره پست خانه فقط مسئول وجوه و حوالجاتی خواهد بود که در کافدهای بیمه شده فرستاده میشود و اگر در کافدهای بیمه شده فرستاده مسئولیت برعهده فرستنده است اگر رسیده خیلی خوب والا اداره پست مسئول نیست

مخبر - عرض میکنم این مسئله که در اینجا قید شده از نقطه نظر صرفه اداره پست است بلکه اداره پست باید یک مسئله دیگری را در نظر بگیرد و آن تنظیم اداره پستخانه است وقتیکه بنا شود ما مردم را مجاز کنیم که هر کس در پاکت خودش جواهر یا اسکناس یا مسکوکات بگذارد و بدون سفاوش یا بیمه کردن بفرستد آنوقت اجزاء اداره پست بواسطه آن تجربیاتیکه در این مدت حاصل کرده اند بواسطه لس کردن نوشتهجات بفهمند که توی این پاکت اسکناس هست یا نیست آنوقت می توانند آن پاکت را از میان ببرند وقتیکه آن پاکت را از میان بردند بالطبع اسباب سوء ظن مردم از اداره پست میشود و مردم دیگر اطمینان نمیکند چون تمام اجزاء اداره پست که مقصود نیستند و البته ممکن است در تمام جاها اجزاء همین موجود نباشد و شاید بعضی جاها یکی دو نفر پیدا شود و این کار را نکنند مثلا یک فراش یا غلام یا اجزاء پاکت را از میان ببرند و همه روز زحمت از برای اداره دولتی فراهم کنند و علاوه تمام مردم از این اداره دولتی سوء ظن پیدا کنند و بچه جوره مکاتبه نشود باین جهت است که این ماده را گذشته و منسوخ کردند علاوه از برای حوالجات باسم حامل مثلا امروز ممکن است یک پستی را در راه سرقت کنند و طرف هم ابتدا اطلاع نداشته باشد سرقت شده که صاحبش اطلاع بدهد که در جوف کافدها یک اسکناس یا برات بود و این ضروری است که برای عموم مردم فراهم میشود و همچنین از برای سایر اشیا از قبیل جواهرات و نقره آلات و سایر اشیا قیمتی اینها هم همینطور است

سردار معظم - بنده عرض جواهرات نشدم فقط بنده راجع بحواله و اسکناس بود

مخبر - مقصود بنده این است که جواهرات و سایر اشیا هم همینطور است و یک نوع بی انتظامی در اداره پست تولید خواهد کرد با توسطه اداره پست این کار را ممنوع کرده است

مدرس - بعد از این براهینی که آقای سردار فرمودند میدانم چطور قانع نشدم اینک فرمودند باعث سوء ظن مردم از پستخانه میشود بنده عرض میکنم که سوء ظن در همه جا ضرور دارد ولی در اینجا

بخصوص نفع دارد بجهت اینکه بواسطه همین سوءظن برات و اسکناس را بیمه میکنند پس این سوء ظن باید باشد تا فرض اداره حاصل شود و الا اگر این سوء ظن نباشد هیچکس بیمه نمیکند و داعی ندارد بکنند پس عقبه بنده و آقایان این است که ذکر این مطلب هیچ جهتی ندارد و اسباب رفاهیت مردم نیست و برافمایش اهل خیره (الذمان بالخراج) نه مزدی میگيرند و نه ضمانتی دارند و در حقیقت کافدهای است که جوفش اسکناس دارد و صاحبش اطلاع نمیدهد پست ضامن سه متقال کفایت ضامن اسکناس نیست کرایه سه متقال کافدها میگيرد رسیده رسیده نرسیده نرسیده ضمانت اسکناس نیست ضمانت سه متقال کافدها است لهذا بنده هم با آقایان موافقم که این ماده حذف شود

معاون وزارت پست و تلگراف - باینکه گمان میکنم باین قسمی که آقایان مخالفت می کنند این ماده حذف خواهد شد ولیکن لازم است قبلاً این مطلب را عرض کنم که بعد از اینکه حذف شد بداندند چه ماده حذف شده است همانطور که آقای مخبر توضیح دادند این مسئله به بچه جوه منوال وجوه از برای مردم نافع نیست و حذف این ماده اسباب هرج و مرج خواهد شد و اداره پست دیگر نمیتواند مردم را ملتفت کند اسباب خسارت مردم میشود چون ممکن است این مطلب را فقط چند نفری از روی این قانون ملتفت شوند و چنانچه میفرمائید وقتی نوشته شد اداره پست مسئول اسکناس نیست در پاکت خودجا بدهند ولیکن ممکن است اغلب مردم از این مطلب استفاده نکنند پس گذاردن این ماده برای این است که مردم بدانند و بفهمند که جادادن اسکناس و حوالجات در پاکت از برای خود آنها ضرر خواهد داشت حالا یک چیز دیگری عرض میکنم در اصل مطلب که اختلافی نیست میفرمائید در عرض این ماده نوشته شده که اداره پست مسئول اسکناس یا اشیا قیمتی بیمه نشده نیست معنی آن باین هر دو یکی است و هیچ اختلافی ندارند اینجا می نویسند اکیداً ممنوع است چنانچه عرض کردم جادادن اسکناس و حواله را منع می کند ولی جلوگیری نمی کند از اینکه کسی نگذارد بعد از اینکه گذارد اگر مفقود شد همان معنی را داد یعنی اداره پست مسئول نیست و اگر یک کسی را که از کاری بفرود او خسارت وارد می آید منع کردیم قائده اش از برای اداره پست نیست و متوجه بخود صاحب مال است و بعد از اینکه ما او را مقننه کردیم آنوقت همانطور که آقا فرمودند میفرماید مختار اسکناس خودش را پاره کند یا دور بیندازد مختار است ما فقط او را متذکر می کنیم حالا اگر مطلبی را که آقا فرمودند یعنی بنویسیم اداره پست مسئول نیست آنوقت یک بی ترتیبی در اداره پست پیدا میشود چون اداره پست متکلف است پاکت غیرسفاوشی یا اشیا بیمه نشده یا غیر ذلک بیمه را بایک ترتیب حمل کند و مقصودش این است که مردم بفهمند که اداره پست اداره منظم و مرتبی است و باید اشیا مردم را حفظ کند که صحیحاً دست طرف آنها برسد ولیکن وقتی که این ماده را اینجا بگذارند بطور تعقیق قائل شده اند که تمام پاکت و نوشتهجاتی که میفرستند اسکناس و برات بگذارند آنوقت هم اسباب خسارت مردم باشد هم اداره پست در زحمت باشد در صورتی که مقصود از این ماده این است که جادادن اسکناس و

حوالجات باسم حامل و قطعات پول یعنی مسکوکات در مراسلات بیمه نشده و سفاوشی متنوع است آقا میفرمائید نوشته شود اداره پست مسئول اسکناس یا حواله یا برات که در کافدها بیمه نشده است نیست این دو عبارت چه تغییری پیدا می کند چیز اینکه بواسطه گذاشتن این لفظ که اداره پست مسئول نیست آن اداره را یک طوری کرده اند که اجزاء اداره هر طوری خواهند بکنند مختار باشند و بالاخره کافدها مردم را از بین ببرند ولی وقتی که منع کردیم کسی این کار را نمیکند و باعث این میشود که اجزاء پست هم درست مواظبت بکنند و آن جمله را که آقا فرمودند که اگر این ماده اینطور نوشته شود حق داده ایم که ما مردم این اداره پست کافدهای مردم را باز کنند و مطالب مردم را استنباط کنند عرض می کنم این قانون دارای چندین فصل است و هر فصل یک مطلب معینی را قید می کند اگر ملاحظه فرمائید در فصل ۵۵ می نویسند هر گاه یکی از اجزاء متدرجات یا وجود پاکت و سایر مراسلات را که به پستخانه داده میشود قاش نماید مجازات و عقوبات خیلی سخت دارد ابتدا یکسی اجازه داده نشده این کار را بکنند در این صورت این ماده با فرمایشی که آقا فرمودند هیچ مخالفت ندارد و برای اینکه عیبی در اداره پست پیدا نشود وجود این ماده در اینجا خیلی لازم است

نایب رئیس - گمان میکنم مذاکره کافی باشد آقای مدرس توضیحی دارید

مدرس - عرضم این است که شاید بیان من قاصر بوده است بنده عرض میکنم معنی ممنوع بودن این است که باید مجازات شوند ولی مسئول نیست معنی این است که من که اداره پست هستم ضامن نیستم صاحب مال خودش خواسته است مال خودش را تفریط کند و تفریط کردن مال خود که مجازات ندارد ولی ممنوعیت از این است که کتکش بزنند مجازاتش کنند ولی مسئول نبودن معنی این طور نیست وقتی که من مسئول نبودم عرض نمی دم لهذا از این جهت این اظهار بنده با معنای ماده فرق دارد

نایب رئیس - مذاکرات گویا کافی است آقای سردار معظم باز هم فرمایشی دارید؟

سردار معظم - عرض بنده راجع بتجزیه این ماده است و مقصودم این است فقره به فقره رأی بگیریم

نایب رئیس - بتقاضای آقای سردار معظم این ماده تجزیه میشود و فقره به فقره رأی گرفته می شود

مدرس - پیشنهاد دارم

نایب رئیس - فقره چهارم را میخوانم تا پیشنهاد آقا برسد

فقره چهارم بمضمون ذیل قرائت شد

رابعاً - جادادن اسبابهای طلا و نقره و جواهرات و سایر اشیا قیمتی و قطعات پول در پاکتها و لوازشکه بیمه یا سفاوشی شده باشد و در سایر مراسلات پستی غیر از امانات پستی بیمه شده

آقا شیخ محمد جواد - در اینجا منع میکنند از اینکه جواهرات و طلا آلات و مسکوکات را در کافدها و لوازشکه بیمه و سفاوشی شده باشد جا بدهد در صورتیکه در قسمت اول میگوید که در

مرسولات بیمه نشده و غیرسفاوشی در ماده قبل اجازه میدهد در پاکت - سفاوشی و بیمه شده میتوانند مسکوکات را حمل و نقل کنند و در اینجا منع میکند و این ماده با ماده اول مخالف و ضدهم است و باید حذف شود

سردار معظم - یک اشتباهی برای آقایان نمایندگان شده است و گمان کرده اند این فقرات ماده های مخصوص هستند در صورتیکه اینطور نیست و تماماً فقرات یک ماده هستند

آقا شیخ جواد - راست است که اینها فقرات یک ماده هستند ولی چند فقره که در یک ماده ذکر میشود باید هر فقره دارای یک مطلب مخصوص باشد و ضد همدیگر نباشد ولی این دو فقره یکسلی ضدهم هستند

مخبر - اگر ملاحظه فرمائید میبینید که این دو فقره ضد همدیگر نیستند در فقره اول میگوید اسکناس و حواله جات مسکوکات در پاکتها بیمه نشده ممنوع است و در اینجا می نویسند که جواهرات و اشیا قیمتی و قطعات پول فقط (قطعات پول) مکرر شده است و باید حذف شود و الا چیز دیگری نیست که ضد همدیگر باشند

نایب رئیس - مطابق تقاضای آقای سردار معظم این ماده را جزء جزه رأی میگیریم و هر فقره را که آقایان مخالف باشند در وقت رأی دادن رأی نخواهند داد و حذف میشود - آقایان اینکه قسمت اول را تصدیق میکنند قیام نمایند

(عده کثیری قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد - فقره دوم قرائت میشود

(بعضون فوق قرائت شد)

نایب رئیس - آقایان اینکه قسمت دوم را تصدیق میفرمائید قیام خواهند فرمود

(اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد - در قسمت سوم و چهارم آقای مدرس پیشنهادی کرده اند که قرائت میشود

(بعضون ذیل قرائت شد)

نایب رئیس - پیشنهاد میکنم بجای فقره سوم و چهارم نوشته شود اداره پست مسئول اسکناس و اشیا فقره سوم و چهارم که بیمه نشده باشد نیست

نایب رئیس - توضیحی دارید

مدرس - فلسفه که در فقره سوم گفته شد در چهارم هم جاری است لهذا عقبه بنده این است که بجای این دو فقره یک فقره نوشته شود که اداره پست مسئول اسکناس و حوالجاتیکه باسم حامل و اشیا طلا و نقره و جواهرات و امانات غیر از امانات پستی بیمه شده نخواهد بود بواسطه اینکه همان فلسفه که در فقره قبل گفته شد در این فقره هم همینجا جاری است

مخبر - آن مطالبی که در فقره نالت نوشته شده هیچ مربوط بقدره رابع نیست بواسطه اینکه این اسباب ها را مطلقاً نمی شود در پاکت قبول کرد اصلاتی شود آنها را در جوف پاکت گذاشت زیرا پاکت را پاره میکنند و می افتد این قبیل چیز ها را باید جوف امانت گذاشت نه جوف پاکت

مدرس - تصور میکنم بنده گمان میکردم

یک من طلا جوف پاکت میکند دارند که میگویند پاکت را پاره میکنند ممکن است بنده صد اشرفی و یا پنج هزاری را بگذارم توی پاکت و با آخرین نقطه ایران بفرستم و عیبی هم نکنند ممکن است یک پاکت مناسبی برای آن درست کنم یا جوف جرم بگذارم و آن جرم را توی پاکت بگذارم و هیچ یاره نشود این بیاناتی که فرمودند موضوع ندارد و قرضاً من اشرفی را در پاکت بگذارم که غیر محکم باشد و پاکت را پاره کند اداره پست رجوعی ندارد صاحب مراقبت نکرده است و کم شده است بیمه کننده تفریط نشود بنده میگویم همان ادله که در اسکناس گفته ایم همان ادله در اینجا هم جاری است و جهت فرقی گذاردن میان آنها با اینها نمیشود پاره شدن پاکت قرارداد پاکت محکم درست میکنند که پاره نشود توی پاکت جرمی میگذارند و آن پاکت جرمی را در پاکت دیگری میگذارند که پاره نشود و بنده همان فلسفه را در اینجا هم جاری میدانم و بجای این دو فقره عقبه ام این است یک فقره نوشته شود با اینطور که اداره پست ضامن آنها که بیمه نشده نیست

نایب رئیس - رأی میگیریم آقایان اینکه پیشنهاد آقای مدرس را قابل توجه میدانند قیام نمایند

(عده کثیری قیام نمودند)

نایب رئیس - قابل توجه شد - رأی میگیریم بقسمت سوم آقایان اینکه قسمت سوم را تصدیق میکنند قیام نمایند

(عده کثیری قیام نمودند)

نایب رئیس - در شد - آقایان اینکه قسمت چهارم را تصویب میفرمائید قیام خواهند فرمود

(عده کثیری قیام نمودند)

نایب رئیس - اکثریت است - ماده ششم قرائت میشود

(بعضون ذیل خوانده شد)

ماده ششم - اداره پست از حمل اشیا ذیل امتناع دارد

اولاً - مستورجات تجارته و سایر اشیا که محتمل ایرات خطر برای اجزاء باشد و یا اینکه مر اسلات پستی را کتیب و ضایع کند

ثانیاً - مراسلاتی که حقوق پاکتی بآنها تعلق میگيرد و وزنشان از (۲۰۰) متقال بیشتر است در صورتیکه کاملاً تبریزه نشده باشد

ثالثاً - مستورجات مال التجاره که بیش از (۷۵) متقال وزن داشته باشد

رابعاً - جوهر خشک یا معلول و رنگهای ملونه خشک یا مایمی که جوهر در آن داخل باشد خامساً - کارتهای پستی و کتاها و جراید و مطبوعات و ساویر و اشکالی که مورش شورش و فتنه یا مضال قوانین مذهبی و اخلاقی باشد

نایب رئیس - در قسمت اول نظریاتی نیست اظهاری نشد

در قسمت دوم نظریاتی هست

مدرس - خوب است توضیح بدهند

نایب رئیس - در چه موضوع توضیح میخواهند

مدرس - عرض من این است مراسلاتی که حقوق پاکتی بآنها تعلق میگيرد و وزنشان از دوپست متقال بیشتر است در صورتیکه کاملاً تبریزه

نشده باشد این جمله آخر که میگوید کاملاً تمبر زده نشده باشد یعنی چه

مخبر - ممکن است يك يا كتي که يا نقد متقال وزن داشته باشد بياورند و در جنبه های يستی بيندازند و اين يا نقد متقال را شش شاهی تمبر زده باشند اداره پست از حمل اين قسم يا کت امتناع میکند ولی وقتیکه وزنش (۲۰۰) متقال باشد ر تمبرش کسر باشد اداره پست قبول و حمل میکند و چون واقعا ممکن است يك يا کت بياورند که پنجهزار متقال وزنش باشد و پول تمبرش را نهند آرا اداره پست قبول نمیکند زیرا اگر قبول کنند ضرر فوق العاده بدارد پست وارد میشود

سردار معظم - بنده تعجب میکنم چطور میشود در باب يا کتهای معمولی که تمبر نمی چسبانند ادله افزایه میشود که باید دو مقابل و چهار مقابل از طرف گرفت و ضری هم برای دولت ندارد ولی اینجا همینکه يك يا کتی وزنش از دو پست متقال زیادتر شد آنوقت تمام این فلسه محکم تغییر میکند و نظر دیگری پیش می آید در قانون گذاری مقنن باید يك اصلی را اتخاذ کند و از روی آن اصل تمام مواد آن قانون را بنویسند اگر کلبه در این قانون مقنن معتقد باین باشد که فرستنده کلفد حق ندارد تمبر بچسباند و نباید کسر تمبر داشته باشد همین فلسه را علاوه بر کلفد در باب امانات هم باید منظور کند که اگر کسر تمبر داشته باشد نظری آن قیمت را بدهد و الا بنده هیچ نمی فهمم که در اینجا يا کت بدون تمبر را قبول کنند و در برابر طرف مقابل جریمه بگیرند و در اینجا وقتی که يا کتی زیادتر از دو پست متقال وزن داشته باشد هیچ وجه قبول نکنند دلیلش چه چیز است خوبست یکی از این دو مطلب را حذف کنند و یکی را بجا خود بگذارند

مخبر - اینجا نوشته شده اگر مستوره جات و مطبوعات را بدون تمبر فرستند پستخانه قبول نمیکند اگر درست ملاحظه بفرمایند از برای هر چیز باید يك وزن معین تعیین کرد از برای مستورجات اداره پست ۷۵ متقال وزن معین کرده و از برای مطبوعات (۱۰۰) متقال اما از برای يا کت يك وزن معین نشده و باید معلوم شود که تا چه اندازه اداره پست میتواند قبول کند ممکن است يك يا کتی بدارد پست بياورند که وزنش دو هزار یا پنجهزار متقال باشد و اگر حدی معین بکنیم اداره پست باید قبول کند در هر صورت باید يك وزن را از برای يا کت قائل شویم که زیادتر از آن وزن نداشته باشد تا اداره پست بتواند قبول کند چون يا کت یا مطبوعات خیلی فرق دارد و البته مطبوعات زیادتر است و وزنش هم زیادتر معین شده ممکن است يا کت دو هزار متقالی را بياورند در صندوق پست بینماز و پست هم حمل کند و ببرد و طرف قبول نکنند آنوقت از برای اداره پست خیلی خسارت فراهم میشود ولی يا کت ده متقالی یا بیست متقالی اینجا متقالی یا دو پست متقالی را اداره پست میتواند قبول کند و تحمل این خسارت را بکنند ما کلبه باید يك حدی از برای اینکار قرارداد

مدرس - اگر میخواهیم از روی دلیل حرف برانیم خوب بود در این قانون مینویسیم اگر تمبر نزنند اداره پست قبول نمیکند ولی حالا که يك طریق دیگری اتخاذ کرده اند بنده هم بین آنها فرق نمیکند اما بلکه آن فلسه که در کلفد های معمولی در نظر بود

در اینجا میشود گفت بهتر است زیرا آن يا کتهای معمولی را در برابر قبول نمیکند بجهت اینکه ممکن است تصور کنند کلفد احوال پرسی است و اهمیتی ندارد ولی يا کت يا نقد متقالی را بقبول اینکه در او يك چیزی است قهرآ قبول نمیکند و حقوق یستی آنرا میدهد باین دلیل بنده تصدیق میکنم که این يا کت يا نقد متقالی حکم همان يا کت معمولی را دارد اولاً اگر این فلسه را منظور ندارند باید بگوئیم هیچ يا کتی را بدون تمبر قبول نکنند و تا تمبر در روی آن يا کت نباشد نبرند

معدل الدوله - بنده همچو می بینم که مواد این قانون یستی بشکلی میگردد که وقتیکه این قانون تمام شد و گذشت مواد آنرا که بعلوی هم بگذاریم برای اجرا شدن هیچ موافقت یا یکدیگر نداشته باشد يك تحقیقی آقای سردار معظم فرمودند که باید به بنیم قانون گذار در هر موقع نقطه نظرش چه چیز است تا از روی اساس قانون بگذاریم بنده هم نمی توانم بگویم که نقطه نظر در اینجا جریمه گرفتن باشد که بگوئیم اگر يك يا کت قیمتش زیادتر شد جریمه آن بیشتر می شود و قاعده و انتزاع اداره پست زیادتر خواهد شد بلکه نظر بنده در وضع کردن قانون خصوصاً قانون یستی ثبت و تنظیم اداره و آسایش مردم و تحصیل اجرت و مخارجی است که دولت از برای اداره کردن این کار متحمل می شود پس در این قانون قاعده و مآخذ و اساس را وقتی در نظر بگیریم می بینیم در نظر را باید تعقیب کرد یکی جریان کار اداره را که بچه شکل باید اداره کرد و یکی تعیین هایدات اداره را که از روی چه مأخذی که کفایت مخارج اداره بکنند باید در نظر گرفت اما راجع بپواد گذشته بنده هیچ عرض نمی کنم زیرا در فقره رابع از ماده پنجم بقدر کفایت مذاکره شد ولی در این مورد که آقایان اختلاف نظر دارند بنده در خاطر هست و در شور اول هم عرض کردم که اگر کلفدی تمبر نداشته باشد یا اینکه کسر تمبر داشته اداره پستخانه مکلف است آن يا کت را با صاحبش برساند و حقوق آن يا کت را در صورتیکه قبول نماید دو مقابل بگیرد در این فقره خیلی مذاکره شده است و بنده هم موافق بودم که برای سهولت کار و مراسلات آن اشخاص یعنی آن درمانده هائی که می خواهند خبری صاحب کار خودشان بدهند و پول ندارند کلفد خودشان را بپردازند در صندوق پست بینمازند اداره پست هم او را حمل می کند و طرف مقابل هم با کمال آرزومندی منتظر همین يا کت است یا کت را که می آورند قبول می کند و دو برابر را از روی مل میدهد و ممکن هم هست يك يا کتی را بپزند و طرف قبول نکنند در اینجا يك ضروری برای صاحبش بمانت قبول خواهد کرد و دو برابر را میدهد و خسارت دولت را تلافی خواهد کرد و اما راجع باین مسئله که قبلاً کرده اند اگر بیشتر از دو پست متقال باشد اداره پست امتناع میکند این مسئله آنقدر مهم نیست و قابل توضیح هم نیست چنانچه عرض کرده و اساس این قانون دو نقطه نظر را باید ملحوظ داشت که اشکال فراهم نشود و اجرایش هم ممکن باشد و اینکه نوشته

شده بیشتر از دو پست متقال را اداره پست امتناع میکند این قید بجهت این است که يا کتی که وزن شد البته محتاج بيك اجرت زیاد نیست و ممکن است طرف مقابل قبول نکند البته تصدیق خواهیم نمود که خسارتش برای دولت زیاد است و در عوض هم چیزی نداریم که این خسارت را تلافی نماید باین واسطه این قبیل يا کات استثناء شده است و این از آن نقطه نظری که آقایان داشتند خارج است ولی از نقطه نظر دیگر رفاهیت حال مردم را ملاحظه کرده اند یعنی يك يا کت سه شاهی یا پنج شاهی یا سه عباسی را که در میان صندوق میانماز از طرف مقابل چندان ضرری نمی بینند ولی در يا کتهای وزن معین است بيك کسی صورت حسابی از يك تجارخانه خواسته باشم و فلان شاگرد تجارت خانه برای اینکه پول ندهد بيك مقداری يا کتهای خودش یا مال دیگری را جمع کند و جوف آن يا کت بگذارد و شاید آن کسی که صورت حساب خواسته است طلبکار هم بوده است اینست که آن شخص آن کلفد را بپردازد و بدون تمبر در صندوق میانماز اداره پست هم او را حمل بینماید و بعد طرف قبول نمی کند در صورتیکه پنج تومان یا ده تومان کسر تمبرش میشود در این صورت اداره دچار اشکالات زیاد خواهد شد و اداره پست يك ضرری وارد خواهد آمد باین واسطه از برای این قبیل يا کتهای حدی معین شده است و هیچ منافاتی هم ندارد بلکه موافق است بآن نظریکه ما برای تنظیم اداره پستخانه و برای تحصیل بيك متفانی که بقدر مصارفی که اداره پست برای حمل و نقل متحمل میشود باشد در نظر گرفته ایم تصور بفرمایند البته آن يا کت بیش از دو پست متقال را بفرستند البته آن آدم بيك شخص مستاصلی نیست که آن يا کت را بدون تمبر در صندوق پست بینماز و باید خودش ببرد در پستخانه بنده این بيك قاعده کلی برای قانون است اگر چه صندوق هائی که حالا داریم برای يا کت های سه شاهی و سه عباسی است ولی اگر بعد ها صندوق هائی بگذاریم که بتوانند بسته های بزرگ را بینمازند اداره پست مکلف است آن يا کت را با صاحبش برساند ام از اینکه قبول بکند یا نکند باین جهت عرض میکنم اگر این ماده بدون استثناء بگذرد اسباب اختلال کار اداره پست را فراهم خواهد کرد و تصور میکنم همین طوری که نوشته شده است بهتر باشد.

سردار معظم - بله بنده هم همانطوری که آقای معدل الدوله فرمودند می بینم که این قانون بطرز غریبی پیش میرود نه اینکه بنظر بنده پیش نبرود ممکن است آن نقطه نظری را که فرمودند باید داشته باشیم پیش نرود عرض میکنم در اینجا وقتیکه مقنن معتقد بيك اصلی شد باید آن اصل را در همه جا جاری دارد و الا بيك قصه را آنقدر کوچک کردن که ممکن است بيك آدم بیچاره پنج شاهی نداشته باشد و کلفدش را تمبر نزنه باشد و از طرف دیگر گفته شود بيك کسی صورت حساب خواسته و طلبکار است و پنج شش تومان کرایه آن میشود و شاید قبول نکرد و امتناع خواهد کرد بنده این مذاکرات را هیچ نظر افراطی و تفریطی می بینم بنسبت اینکه هر دو مورد ممکن است باشد یا نباشد یعنی مقنن همین که معتقد بيك اصلی شد باید آن اصل را در تمام موارد معتقد باشد مثلا بگوئیم اداره پست خانه هیچ نوع کلفدی و هیچ نوع امانتی را قبول نمیکند مگر اینکه قبلاً حق العمل آن امانت یا يا کت

تأدیه شده باشد و این بيك نظری است که بنده بنده خیلی خوب است زیرا اگر این طور نوشته شود آن وقت قضیه تمبر و یا کسر تمبر بکلی از میان میرود اگر اینطور نوشته شد آن وقت در هر موقعی که بنده بخوام بيك کلفدی به پستخانه بدهم ام از این که پنج متقال باشد یا یا نقد متقال یا هزار متقال فرق ندارد پستخانه به بنده میگوید مطابق قانون شما حق پست را تأدیه کنید تا من کلفد شما را برسانم و اگر اینطور نشود ممکن است اشکالاتی فراهم شود همانطوریکه در شور اول گفته شد ممکن است کلفد هائی بدون تأدیه حق پست فرستاده شود که کسی تمبر نداشته باشد در آن صورت دو مه قابل گرفته شود بنده معنی این را نمی فهمم که اگر بيك يا کتی (۱۹۹) متقال وزن داشته باشد این اصل جاریست و ممکن است قیمت کسر تمبر او را طرف بدهد اما بمجرد این که دو پست متقال یا بیش از دو پست متقال شد بيك فلسه تازه پیدا میشود که اداره پستخانه را مکلف بقبول نکردن نمیکند بلی اداره پست خانه اگر نظری دزد خوبست در قانون بنویسید که کلبه يا کت هائی که زیادتر از دو پست متقال باشد قبول نخواهد کرد ولی مقید کردن بیا کتهای بیش از دو پست متقالی که کسر تمبر دارد هیچ معنی ندارد و بيك چیز غریبی است اما در باب صورت حساب که فرمودند خاطر ایشانرا متذکر میشوم که بيك ماده راجع به مطبوعات معین شده است و خارج از این موضوع است و ربطی باین ماده ندارد بالاخره اگر کلبه يا کت محدود بدو پست متقال شد خیلی سهل است و مردم میتوانند مراسلات خود را در دو سه يا کت بگذارند و برای طرف مقابل بفرستند و اداره پست هم هیچ مسئولیتی ندارد و می تواند بطرف بگیرد و دو مقابل باید بدهد و آنطرف مجبور خواهد شد دو برابر را بدهد و این مذاکرات بنده را قانع نکرد و میگویند بيك نظر و ملاحظاتی دیگری هست که بآن نظر و ملاحظاتی قانون وضع میشود بنده اصلاً نمیدانم چه ملاحظاتی است که نمی توان بيك ترتیبی قانون وضع کرد که در تمام مکاتب اجرا شود

علل الملك - در اینجا که کسر تمبر را نوشته اند در یا کتهای بیش از دو پست متقال پستخانه قبول نمیکند مخالفی با موارد دیگر ندارد زیرا اول بيك قاعده کلی را مینویسند اینجا يا کت دو پست متقال بیشتر را از آن قاعده استثناء میکنند و همانطوریکه آقای مدرس اشاره فرمودند ممکن است برای آن کسی که يا کت باو میرسد نفع هم داشته باشد و قبول کند دو مقابل را هم بدهد زیرا اغلب يا کتهائی که بدون تمبر یا کسر تمبر فرستاده میشود مراسلات تجار است که غالباً آن يا کات قبول میشود و از برای دولت بيك فایده دارد و هیچ ضرری هم ندارد

نایب رئیس - مذاکرات کافی است در فقره ۴ نظریات هست

آقا میرزا طاهر - مقصود از زنگ ماونه چیست

آقا شیخ محمد جواد - بنده در همین موضوع توضیح میخواهم

نایب رئیس - آقای مخبر توضیح میدهد

مخبر - بله اینجا گمان میکنم ماونه اشتباهاً نوشته شده باشد باید حذف شود

آقا شیخ محمد جواد - اینجا مینویسد جوهر خشک باز در آخر مینویسد که جوهر در آنها داخل باشد مقصود چه چیز است در جوهر جوهر داخل باشد که معنی ندارد

مخبر - مینویسد مایمی که جوهر در آن داخل باشد ممکن است آبی باشد که جوهر داخل آن باشد

نایب رئیس - در فقره پنجم نظریاتی نیست

ایمانده هم بنابه تقاضای آقای سردار معظم تجزیه میشود و جزء جزء رای گرفته می شود در اینوقت تمام فقرات ماده ششم فردا در قیام و قعود رای گرفته یا کثرت تصویب شد

نایب رئیس - اگر آقایان موافق باشند جلسه را ختم می کنیم و جلسه میانه از برای روز پنجشنبه ۴ ساعت بظهر مانده دستور هم شور در بقیه قانون یستی خواهد بود و راپورت هم از کمیسیون هرایش رسیده که در جلسه بعد خوانده خواهد شد بيكی راجع به رخصی آقای حاج امام جمعه و یکی هم راجع به رخصی شاهزاده محمد هاشم میرزا است و آقایان را یادآوری میکنم آقای حاج میرزا اسدالله خان و آقای عماد السلطنه در جلسه قبل برای نظارت بر رسیدگی انتحاب امضاء کمیسیونها معین شدند و گویا انتخاب هنوز صورت نگرفته است

عماد السلطنه - ما حاضر شدیم ولیکن آقایان برای رای دادن حاضر نشدند

نایب رئیس - حالا که آقایان تشریف میبرند در خارج آن عده را انتخاب مینمایند - آقای حاج هز الممالک هم در موضوع کرمانشاهان اظهاری داشتند

حاج عز الممالک - چند پست بنده از وزیر داخله سؤالی راجع بکرمانشاهان دارم و هنوز در مجلس شورای ملی حاضر نشده اند که جواب بدهند اگر یاستی این مذاکره در بيك موقعی باشد صکه آقای وزیر داخله هم حاضر باشند ولی لازم میدانم خاطر نمایندگان محترم را بطور اختصار مسبقاً نمایم که معین شود ما و کلاً بوظیفه خودمان بآن درجه که ممکن است عمل میکنم و البته نظر بنده و بی که باید از دولت بشود حاضر نشده ایم یا وزراء بترتیب استیضاح رفتار کنیم ولی دولت هم باید تا بيكدرجه مقید باشد که در موقه سؤال بيك و سکيل در مجلس شورای ملی حاضر شود و در بيك صحنه موقع مهمی که از برای کرمانشاهان حادث شده است جواب بدهند نه اینکه از فرستادن حکومت و اماناتی که باید در این خصوص بفرمایند مسامحه و مضایقه شود و باید نمایندگان محترم مسبقاً باشند که حقیقه ماها در فشار موکلین هستیم و باید بترتیبی رفتار شود که آسوده باشیم

نایب رئیس - بوزیر داخله تأکید خواهد شد که زودتر برای جواب سؤالات حاضر شوند

مجلس نیم ساعت قبل از ظهر ختم گردید

جلسه ۴۷

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه

بیست و ششم رجب ۱۳۲۷

مجلس تقریباً دو ساعت قبل از ظهر در تحت

و است آقای سلیمان میرزا نایب رئیس منقذو صورت مجلس روز ۴ شنبه بیست و چهارم فرات گردید

غائب بی اجازه - آقای سردار معظم - فائزین با اجازه - آقایان وقار السلطنه - آقا میرزا سلطان

نایب رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی هست ؟

سردار سعید - بنده میخواستم عرض کنم آن پیشنهادی که بیست نفر از آقایان ...

نایب رئیس - مذاکره راجع بصورت مجلس است در صورت مجلس اگر اظهاری دارید بفرمایید

مدرس - در آن جلسه مذاکره شد که آقای حاج امام جمعه اجازه رخصی خواسته اند اینجا بی اجازه نوشته اند

نایب رئیس - جلسه قبل بی اجازه بوده اند هنوز راپورت کمیسیون هرایش تصویب نشده اگر راپورت تصویب شده برای جلسات بعد با اجازه نوشته میشود پس در صورت مجلس نظریاتی نیست صورت مجلس تصویب شد - دستور امروز شور در بقیه قانون یستی است در پنج جلسه گذشته ماده ۶ و تقاضای آقای سردار معظم جزء جزء رای گرفته شد و فراموش شد در کلیاتش رای گرفته شود حالا باید رای بگیریم مذاکرات هم شده است

سردار معظم - آن روز فقره سوم حذف شد و بنشاید يك تبصره اضافه شود که بعد ها اسباب زحمت نباشد آقای مخبر هم قبول کردند که اضافه کنند و آن این بود که باید در این قانون تصریح شود که مردم بتوانند حوالجات باسکناس خودشان را در جوف يا کت بپوشانند و فرستند ولی باید تصریح شود که دولت فقط مسئولیت يا کتهای بیمه شده را دارد که فردا اسباب زحمت دولت نشود قرار بود این مسئله را آقای مخبر تصریح کنند اگر این مسئله اضافه شده است میتوانیم رای بدهیم و اگر نشده است باید تصریح شود

مخبر - این مطلب را باید در فصل مسئولیت نوشت یعنی در ضمن موادیکه مسئولیت اداره پست را معین میکنند باید نوشته شود در این فصل میشود نوشت

سردار معظم - بسیار خوب

نایب رئیس - پس ماده پنجم بکنده دیگر خوانده میشود و رای می گیریم

(بضمون ذیل قرائت شد)

فصل ۶ - آنچه اکیداً ممنوع است - اولاً - جا دادن يا کتهای ولو اینکه سرباز باشد و یادداشتها و تیکه در حکم مکاتبات شمرده میشوند در امانات یستی سربع السیر و امانات بطنی السیر دسته ها و روزنامهجات و مطبوعات و مستوره های تجارانی و اوراق کار که حقوق معقنه یستی بآنها تعلق می گیرد

ثانیاً - مکاتبات شخصی و مرقومات و هلاماتی که شبیه بآن است در روی لفافه مرسولات که حقوق معقنه پست بآنها تعلق می گیرد باسکناسی مکاتبه که فصل بیستم این قانون در روی کارت ویزیت اجازه میدهد

ثالثاً - جادادن اسبابهای طلا و نقره و جواهرات و سایر اشياء قیمتی و قطعات پول در يا کتهای

اینکه بیه باسفاغری شده باشد و در سایر مسوالات
پستی غیر از امانات پستی بیه شده
نایب رئیس - رأی میگیریم باده پنجم آقایانی
که موافق هستند قیام نمایند.
(عده کثیری قیام نمودند)
نایب رئیس - تصویب شد - ماده ۶ قرائت
می شود.
(بعضون ذیل قرائت شد)
ماده ۶ - اداره پست از قبول اشیاء ذیل
امتناع دارد.
اولاً مندرجات تجارتنی و سایر اشیائی که محل
ایراث خطر برای اجراء باشد یا اینکه مراسلات پستی
را کثیف و ضایع کند.
ثانیاً - مراسلاتی که حقوق پستی آنها متعلق
میگردد و نشان از (۳۰۰) متقال بیشتر است در
صورتیکه کاملاً تبرزه نشده باشد.
ثالثاً - مندرجات مال التجاره که بیش از (۷۵)
متقال وزن داشته باشند.
وابعاً - جوهر خشک یا محلول و رنگهای خشک
یا مایعی که جوهر در آنها داخل باشد.
خامساً - کارتهای پستی و کتابها و جرائد و
مطبوعات و تصاویر و اشکالی که در پست شورش و
فته یا مخالف قوانین مذهبی و اخلاقی باشد.
نایب رئیس - در ماده ۶ رأی میگیریم آقایانی
موافق هستند قیام خواهند نمود.
(اغلب نایبندگان قیام نمودند)
نایب رئیس - اکثریت است ماده قرائت
می شود.
(بعضون ذیل قرائت شد)
ماده (۷) اداره پست در حمل و نقل اشیاء ذیل
مبور نیست.
اولاً - اشیاء شکستنی و اشیاءیکه بعض دست
خوردن ضایع میشود.
نایب رئیس - در این قسمت نظریاتی هست؟
(اظهاری نشد) قسمت دوم قرائت میشود.
(بعضون ذیل قرائت شد)
نایب اشیا یکیکه بهت حجم یا وزن یا طریقه لفاف
بندی بار کردن و مواظبت و حملشان توسط پست
اشکال دارد.
نایب رئیس - در قسمت دوم مخالفی هست؟
میرزا ظاهر - بنده گمان میکنم در صورتی
که در تحت قفسه سوم شرح میدهند اشیاءیکه بهت
حجم یا وزن یا طریقه لفاف بندی حملشان حالی
از اشکال نیست دیگر لازم نیست این قفسه
ذکر شود.
مخبر - آیا رابورت وزارتخانه را ملاحظه
فرموده اند در کمیسیون این دو قفسه بصر
شده است.
نایب رئیس - دیگر مخالفی نیست؟
حاج شوخ یوسف - فصل هفتم مینویسد
اداره پست مجبور نیست اشیاء ذیل را حمل و
نقل کند در فصل ششم نوشته بود اداره پست از
قبول اشیاء ذیل امتناع دارد در صورتی که
اداره پست امتناع از قبول دارد و در این فصل مینویسد
مجبور نیست آیا اگر کسی این اشیاء را حمل و
نقل نکند مجازات دارد آیا متافی با انحصار است
بانیست؟

مخبر - امتناع با مجبور نیست فرق دارد امتناع
آن چیزی است که اداره پست قبول نمی کند مجبور
نیست یعنی ممکن است قبول کنند ولی مسئول نیست
معین است اینها چیزهایی نیست که داخل در انحصار
پست باشد و البته چیزهایی را که اداره پست نمیتواند
حمل کند مردم می توانند بهر وسیله که دلشان بخواهد
حمل کنند.
نایب رئیس - دیگر مخالفی نیست؟ (اظهاری
نشد) جزء ثالث قرائت می شود.
(بعضون ذیل قرائت شد)
ثالثاً - اشیاءیکه وسائل حمل و نقل حاضر برای
حملشان کافی نیست.
نایب رئیس - در قسمت سوم نظریاتی نیست
پس رأی میگیریم باده ۷ آقایانیکه موافقند قیام
خواهند فرمود (اغلب قیام نمودند)
نایب رئیس - تصویب شد ماده ۸ قرائت
می شود.
(بعضون ذیل قرائت شد)
ماده ۸ - اداره پست با تصویب دولت عده و
مکان و وظائف پستخانه ها را تعیین نموده ترتیب
برداشتن مراسلات را از جمله های پستی و ارسال و
توزیع آنها را مقرر میسازد.
نایب رئیس - در این ماده مخالفی هست؟
حاج شیخ اسماعیل - بنده از ابتداء تا انتها
این قانون ملاحظه کرده می بینم این قانون اداره
پست را يك اداره مستقلی کرده است مثل اینکه ابتدا
يك وزیر مشغولی ندارد تمام مطالب را بالاستقلال
بمورد استعراج می کند در این قانون هیچ اسمی از
وزیر مشغول برده نشده و مستقیماً اختیارات با اداره
پست داده شده و حال آنکه این اداره يك وزیر
مشغول دارد و از آنجمله مطالبیکه راجع بوزارت
پست است و باید وزیر در آن نظر داشته باشد یکی
همین مورد است که مینویسد اداره پست با تصویب
دولت عده و مکان و وظائف پستخانه ها را تعیین
می نماید و حال اینکه تصور می کنم این مسئله از
وظائف وزیر است و نباید اقلاً در این قانون یکی
دو مورد اسمی از وزیر برده شده باشد که یک اختیار
نامی در مقابل وزیر با اداره پست داده نشده باشد که
اگر وزیر پست بخواهد يك نظری در اداره پست
بکند در مقابل او رئیس پست این قانون را در دست
نگیرد و بگوید شما هیچ حق نظر ندارید مجلس
این اختیارات را کاملاً بخود اداره واگذار کرده
است این است که بنده پیشنهاد می کنم در عوض
اداره پست وزیر پست نوشته شود باین طریق وزیر
پست یا وزارت پست با تصویب دولت عده و مکان
و وظائف پستخانه ها را تعیین میکند باید در اینجا
اسمی از وزیر برده شود که اداره پست خودش را
اختیار بداند و در بعضی مواد دیگر هم که راجع باین
مطلب می شود باید همین نظر ملحوظ شود که انحصار
با اداره پست نداشته باشد
معاون وزارت پست و تلگراف - در
شوراول این قانون همین مطلب مذاکره شد و بنده در
نظر دارم که در این باب توضیحاتی دارم اساساً عرض
میکم که این مسئله هیچ اهمیت ندارد و در هر آجا که
اداره نوشته میشود دلیلی بر این نیست که وزیر

است رأی میگیریم به کافی بودن مذاکرات آقایانیکه
مذاکره را کافی میدانند قیام خواهند فرمود
(عده کثیری قیام نمودند)
نایب رئیس - حالا صحبت بفرمائید.
حاج شیخ محمد حسن - در این ماده
نوشته شده است (اداره پست با تصویب دولت) این
جمله استقلال اداره پست را میسراند گمان بنده این
است که اگر هوش این عبارت نوشته شود (اداره
پست با اجازه دولت) معلوم میشود که در واقع
اداره پست همان جنبه مأموریت دارد در لا
تصور میکنم باید لفظ تصویب با اجازه تبدیل شود.
ناصر الاسلام - يك قسمت این ماده که
بواسطه پیشنهاد آقای حاج شیخ اسدالله اصلاح شد
این ماده را بکلی بی معنی کرد بنده این ماده را
بی معنی میدانم بی معنی تر شد (وزارت پست با
تصویب دولت عده و مکان و وظائف پستخانه را تعیین
نمایند) وزارت پست این تکلیف را ندارد که باید
تعیین عده و مکان را بنماید این مسئله راجع بیک
نظامنامه داخلی است که در پستخانه حاضر میشود
ما معتقد هستیم که پستخانه مکان لازم دارد و عده
هم برای پستخانه قائم و میباید که ترتیب برداشتن
پاکت و حمل کردن پست باید ترتیبی داشته باشد
ولی این يك چیزی نیست که مربوط بوزیر باشد
بلکه مربوط بنظام نامه داخلی است بنده بکلی
این ماده را زاید میدانم و تقاضا میکنم جزء نظامنامه
داخلی وزارت پست و تلگراف نوشته شود
سردار معظم - بنده با اصلاح مخالفم و
تصور میکنم اینکه آقای مخبر عنوان کرده اند که
پست وزارت ندارد چندان بی حق نبودند بجهت
اینکه وزارت پست نیست وزارت پست و تلگراف
و فوائد عامه و فلان و فلان است یعنی ادارات
مختلفه راجع کرده اند که مجموع آنها يك وزارتخانه
تشکیل میدهند و وقتیکه تقسیم شوند هر کدام به
تسهائی تشکیل يك وزارتخانه میدهند پس وزارت
پست وجود ندارد وزارت تلگراف وجود ندارد و
اداره پست و اداره تلگراف و اداره فرائدها است
که مجموعاً تشکیل يك وزارتخانه میدهند باین جهت
وقتی که نوشتم وزارت پست غلط میشود مگر این
که مقصودمان فقط جنبه پستی باشد و اما اگر آقای
حاج شیخ اسدالله در خود ماده دقت می فرمودند
مقصودشان از خود ماده حاصل میشد همینطور که
نوشته شده است خیلی بهتر است دیگر اینکه
بنده با نظر آقای ناصر الاسلام که فرموده این ماده
زیادی است موافقم و عقیده ام این است که این ماده
در نظامنامه نوشته شود ولی وقتیکه اسرار شد که
این ماده در اینجا بماند باید همانطوریکه سابق
نوشته شده بود نوشته شود یعنی با تصویب دولت
بجهت اینکه دولت نسبت با اداره پست همان وزیر پست
خواهد بود و همینطور نسبت بهر اداره دولت
وقتیکه میگویند بتصویب دولت یعنی بتصویب وزیر
آن اداره ولسی عملیات اداری در این قبیل
مطلب راجع بوزارت پست و تلگراف نیست و
مستقیماً راجع با اداره پست است اداره یا وزارتخانه
فرق ندارد بنا بر این بنده تصور میکنم که آقای
معاون همانماده اولی را قبول کنند و این مسائل را موقوف
کنند با اداره پست بهتر است.
معاون پست و تلگراف در این جا يك

اشتباهی شده است بنده اظهاراتی که میکردم در باب
اینماده نبود اگرچه تکیه آقایانی که پیشنهاد کرده اند
باین ماده است ولیکن عرض بنده راجع بکلیه
مواد این قانون بوده این بود که عرض کردم و بعد
از اینکه این پیشنهاد تصویب شود دیگر این ماده
صورت خارجی نخواهد داشت و باید حذف شود و
و آن توضیحی که بنده دادم در خصوص این ماده
ابود راجع باصل اساسی این مطلب بود و این که
می فرمائید اداره پست و اداره تلگراف و غیره جمع
می شود يك وزارت خانه می شود راست است ولی
اغلب وزارتخانه ها به همین ترتیب هستند شبه وزارت
داخله مرکب است از اداره ژاندارمری و غیره و
غیره و همچنین وزارتخانه مطابق قانونی که بریزروز
از مجلس گذشت اداراتی در جزء او بوده که از برای
هر يك هم قانون مبینی نوشته شد عرض کردم صحبت
در لفظ است در اداره پست هم همین معامله معمول
بوده و هیچوقت بی اجازه وزیر مشغول خودش کاری
نکردم بنده چون خواستم وقت مجلس در لفظ
تلف نشود عرض کردم ضرر ندارد این لفظ نوشته
شود حالا اگر پیشنهاد را قبول بفرمائید البته باید
این ماده حذف شود و اگر نفرمایند باید همین ماده بجای
خودش بماند باشد.
مدرس - عرض بنده همان بود که آقای
ناصر الاسلام فرمودند این ماده ربطی بقانون ندارد
و راجع بنظام نامه است لهذا گمان می کنم اگر
توجه فرمائید و قبول فرمائید این ماده حذف شود و موقوف
بنظام نامه داخلی شود بهتر است.
منتصر السلطان - بنده برخلاف فرمایشات
آقایان این ماده بایستی در اینجا باشد برای اینکه در خصوص
عده پستخانه ها و تکلیف و وظائف داخلی آنها
قانون اجازه داده باشد که اداره پست با تصویب دولت
یعنی همانطوریکه آقای سردار معظم فرمودند و تشریح
کردند مقصود از دولت وزیر پست و تلگراف است
زیرا اگر مقصود هیئت وزراء بود هیئت وزراء
مینویسد این ماده قانون باید در اینجا باشد و الا
اداره پست دچار خیلی اشکالات خواهد شد و نمیتواند
بوسیله قانونی خودش و اجراء نظامنامه ها بیکه
برای این کار ترتیب داده می شود موقوف شود و قفسه های
ایستائی و لایتنی مرتب نخواهد شد لهذا این ماده لازم
است نوشته شود.
مخبر - علاوه در خانه عرض میکنم چون
این مسئله راجع به بودجه می شود لازم است این
مطلب در قانون نوشته شود که آن وقت بر طبق
آن يك نظام نامه در اداره پست بنویسند و بوضع
اجراء بگذارند.
نایب رئیس - گویند مذاکرات کافی باشد؟
معاون وزارت پست و تلگراف - بنده در
این ماده يك پیشنهادی کردم
نایب رئیس - چند پیشنهاد دیگر هم رسیده
است ممکن است يك قسمت از مذاکره هم در پیشنهاد
ها بشود و پیشنهادها قرائت می شود.
(پیشنهاد حاج عزالممالک بعضون ذیل قرائت شد)
اداره پست با تصویب وزارتخانه متبوع خود
عده و مکان و وظائف پستخانه را تعیین نموده برداشتن
مراسلات را از جمله های پستی و ارسال و توزیع آنها را
مقرر میسازد.

(پیشنهاد معاون پست و تلگراف
قرائت شد)
پیشنهاد میکنم وزارت پست عده و مکان و
وظائف پستخانه ها را تعیین نموده الی آخر.
(پیشنهاد حاج شیخ محمد حسن گروسی
بعضون ذیل قرائت شد)
این اقل پیشنهاد مینمایم که در عوض اداره پست
به تصویب دولت نوشته شود (اداره پست با اجازه دولت)
نایب رئیس - آقای حاج عزالممالک راجع
به پیشنهاد خودتان توضیح میدهند؟
حاج عزالممالک - اینکه گفته شد این ماده
در اینجا لازم نیست بعقیده بنده چنانچه در سایر
قوانینی که برای وزارتخانه های دیگر نوشتم در اینجا
هم لازم است مجلس اجازه نوشتن يك نظامنامه و
(رگلمان) را بدهد و باید در قانون تصریح شود که
بچه شکل باید این نظامنامه ها نوشته شود بکنظر
این بود که اداره پست مستقل باشد بنده مخالف
هستم بکنظر دیگر این بود که با وزیر باشد و اداره
باین کار دخالت نکنند با اینهم بنده مخالفم چون باید
نظامنامه که نوشته میشود موافق ترتیب اداری باشد
پس بهترین خواهد بود که اداره پست چون بجز این
امور مسبوق است این نظامنامه ها را بنویسد ولی
هیچوقت بوقع اجراء نباید مگر اینکه وزیر مشغول
آنرا تصدیق کند اما چنانچه در عوض دولت وزارت
متبوع نوشتم برای اینکه نخواستم اداره پست خودش
را يك اداره مستقلی بداند و خودش را با دولت
طرف بداند و تصور کنم مقصود از دولت هیئت وزراء
است و يك پیشنهادی که اول باید با بعضی وزیر برسد
بهیئت وزراء بفرستد و مستقیماً با هیئت وزراء طرف
شود و معلوم باشد که اداره پست وزیر متبوع خودش
است اما اگر وزارت پست بنویسیم ممکن است تصور
شود که اداره پست باید مستقلاً يك وزارت داشته
باشد برای آنکه همانطوریکه در قانون اساسی
تصریح شده ممکن است چندین اداره را از قبیل پست
و تلگراف و تجارت و فوائد عامه و غیره راجع کنند
و تشکیل يك وزارتخانه بدهند این بود که پیشنهاد
کردم تا معلوم شود اداره پست با تصویب وزارت
متبوع خودش نظامنامه ها را ترتیب میدهد. حالا اگر
آقای معاون و آقای مخبر تصدیق فرمائید بنده يك
همچو پیشنهادی را میکنم والا اصراری ندارم.
معاون وزارت پست و تلگراف - اگر
يك قدری توجه بشود نباید در لفظ اینماده مذاکره
کرد بنده دودقمه این مسئله را عرض کردم که مقصود
فقط این ماده نبود و در تمام این قانون بود اگر پیشنهاد
آقای حاج شیخ اسدالله رد شود که هیچ مذاکره
ندارد و در ماده باید رأی گرفته شود و اگر پیشنهاد
رد نشود باید در کتب موارد لفظ وزارت نوشته
شود و این فرمایش را که آقای حاج عزالممالک فرمودند
که اگر وزارت نوشته شود ممکن است بر خلاف
ترتیب اداری فلان نظامنامه را بنویسند گمان میکنم
خوب است يك وزیر مشغول بیش از این اعتماد
داشته باشند زیرا وقتیکه وزیر مشغول شد هیچوقت
بر خلاف ترتیب اداری رفتار نمیکنند اینستکه وزیری
که مشغول است به ترتیب اداری از مجرای خودش
عمل خواهد کرد و ناچار نظر رئیس اداره را در
بعضی مطالب جاب خواهد کرد حالا اگر آن پیشنهاد

قبول میشود باید این ماده این طور نوشته شود و اگر قبول نمیشود باید در این ماده رأی بکلیت بیش از نهم عرض نمیکند.

نایب رئیس - آقای ممبر پیشنهاد آقای حاج مرزا اسدالله را قبول میکنید؟

مخیر - بلی قبول میکنم.

نایب رئیس - پس این ماده با پیشنهاد ما بکمیسیون ارجاع میشود هر طور رایورت دادند رفتار خواهد شد - ماده ۹ قرائت میشود (بعضیون ذیل قرائت شد)

ماده ۹ - دولت بر طبق قانون اساسی بوسیله قرارداد بین المللی ارتباطاتی را با ممالک خارجه محکم نموده و حقوق یستی را که از این باب در مملکت ایران باید دریافت شود تعیین نماید.

نایب رئیس - در این ماده نظرانی هست؟

آقا میرزا ظاهر - مقصود از این عبارت (محکم نماید) چیست؟ اگر مقصود این است که بعضی قراردادهاییکه در ایران هست محکم مینماید (محکم مینماید) لازم نیست و اگر قراردادی نیست و مقصود چیز دیگری است توضیح بدهند به بینیم مقصود از (محکم مینماید) چیست؟

مخیر - بنده سوال را درست تلفظ نکرده ام البته این از برای این است که اگر اداره پست قراردادی نداشته باشد بایک کسی قراردادی می بندد و البته موافق اساس این قرارداد با اجازه مجلس خواهد بود.

نایب رئیس - دیگر مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد) مخالفی نیست رأی میگیریم در ماده نهم یا آقایانیکه موافق هستند قیام فرمایند (عده کثیری قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد - ماده ۱۰ قرائت میشود (بعضیون ذیل قرائت شد)

ماده ۱۰ - اداره پست در حدود مقرر قانون مجاز است که برای احداث پست مقرری بحری قیام مملکت ایران ونواحی ماوراءالبحر با اشخاص مختلفه قرارداد خصوصی میکند.

نایب رئیس - در این ماده اظهاری هست؟

حاج شیخ اسدالله - این ماده باز همان موردی است که بنده در نظر دارم متأسفانه ما گرفتار بعضی محظورات هستیم که لابد میشویم در گذشتن یک قانون در اینگونه موارد اشکال کنیم و نظریات خودمانرا بطور خیلی مختصر و با زراکت عرض کنم با این وضعیکه این قانون وضع شده و باین اختیاراتیکه با اداره پست داده میشود صریحاً عرض میکنم اداره پست خودش را مستقل خواهد داشت و در امورات داخله خودش ایداً بوزیر دخالت نخواهد داد سر تکان ندهید همینطور هم هست.

نایب رئیس - شما در قانون مذاکره میفرمائید سر تکان دادن که جزه قانون نیست.

حاج شیخ اسدالله - اینکه آقای سردار معظم فرمودند وزارت پست نیست عرض میکنم وزارت پست هست و وجود کل پسته بوجود افراد است یعنی وزارت پست یک وزارتخانه نیست که دارای چندین شعبه است که مستخانه و تلگرافخانه و فوائد عامه و قس هلهذا - مثل اینکه وزارت معارف دارای چند شعبه است وقتی که بشبه اوقاف رجوع میکنند وزارت را نسبت بآن اداره

میدهند وزارت اوقاف میگویند به چندین وقتی که معارف رجوع میکنند وزارت را نسبت با اداره معارف میدهند و وزارت معارف میگویند همینطور است نسبت با ادارات دیگر پس تغییر کردن اداره پست به وزارت پست بی مناسبت نیست و مستخانه وزارت دارد و همان قسمیکه عرض کردم حالاً که این قانون نگذاشته اداره پست وزیر خودش را دخالت نمیدهد و اگر این قانون بگذرد این قانون را در دست می گیرد و می گوید مجلس این اختیارات را بن داده در صورتیکه تا بحال که این قانون نبود این اختیارات را داشت حالا باین قانون البته باید این اختیارات را داشته باشد و در این قانون هیچ نظری وزارت نشده است نظام نامه داخلی هر وزارتخانه را که باید وزیر مسئول آن اداره بنویسد میگویند خود اداره بنویسد و به تصویب هیئت دولت برساند و الا اسمی از وزیر مسئول نمیرند پس وزیر مسئول در این اداره چه کاره است؟ مثلاً نظام نامه داخلی (زرگمان) اداری را که باید وزارت پست بنویسد این اختیار را بغیر اداره میدهند میگویند تصویب دولت برساند و هیچ اسمی از وزارت برده نمیشود از آن جمله از این مورد بنویسد اداره پست مجاز است مستقیماً و مستقلاً راجع به پستهای مملکت ایران و نواحی ماوراءالبحر قرار داد بکند پس وزارت پست در اینجا چکاره است؟ اینگونه امور راجع بوزیر است نه با اداره باید توسط وزیر نظام نامه های داخلی نوشته شود آنوقت اداره پست بر طبق آن نظام نامه (زرگمان) اداری که از وزارت رسیده دخالت تصویب نموده رفتار کنند این است که بنده در آن پیشنهاد عرض کردم و اجازه هم خواستم و نوبت اجازه بمن رسیده در این ماده هم همان نظر را عرض میکنم که باید اداره پست را از اینجا بردارند و وزارت پست بنویسند و بموجب آن نظریکه بنده دارم فی الجمله دخالتی هم بغیر وزیر پست داده شود.

معاون وزارت پست و تلگراف - بنده افسوس دارم از اینکه آقایان وقت مجلس را بیهوده صرف میکنند به بیاناتیکه بنده میکنم وقت نمی فرمایند و باز همان مطلب را تکرار میکنند و بنده را مجبور میکنند دفاع کنم و بیش از این وقت مجلس را تلف کنیم و اینکه آن پیشنهاد را قبول کردم به همین جهت بود و توضیح هم دادم که اساساً فرقی نمی کند و نمیتوانم جسارت کنم که بعضی از آقایان ممکن است از ترتیب اداری اشکال کنند عرض میفرمایند ولی در ترتیب اداری هیچ فرقی نمیکند عرض کردم در آخر این قانون یک ماده دارد که یک کلیه نظام نامه هایی که از برای این مواد نوشته خواهد شد باید با مضای وزیر مسئول برسد و آنوقت این قانون بموقع اجراء گذاشته شود مثلاً راجع باین ماده وزیر مسئول بنویسد که اداره پست باید مطابق ماده فلان پیشنهاد های خودش را در باب قراردادهای پستی با کشتیهای بحر خزر بوزارت پست بدهد بعد از آنکه وزیر ان قرارداد را امضاء کند بموقع اجراء گذاشته میشود و در واقع آن ماده نظام نامه این ماده قانون را توضیح خواهد کرد ولیکن نظر بنده این بود که اگر وزارت پست هم نوشته شود ضرری ندارد وزارت پست هم وقتیکه می خواهد مطابق ترتیب اداری یک قراردادی در این موضوع

به بنده البته نظر رئیس اداره خودش را می خواهد و چون مطالب یکی بود قبول کردم و خواستم وقت مجلس را از برای این مطلب که در تمام قانون تکرار میشود تلف کنم لهذا قبول کردم که لفظ (وزارت نوشته شود این بود که آقایان مخالفت کردند حالا هم لازم است عرض کنم که آن مطلب بکمیسیون رفت و امیدوارم در کمیسیون آن نظر اصلاح شود و دیگر در باب لفظ اداره یا وزارت تکرار فرمایند که من مجبور شوم دفاع کنم میفرمایند وزارت پست نداریم وزارت تلگراف نداریم و این ادارات بدون تصویب وزیر خودشان کار میکنند بنده این مطلب را چنداً تکذیب میکنم و عرض می کنم ادارات وزارتخانه از جزئی و کلی امور خودشان را بتصویب وزیر مسئول خودشان کار میکنند یعنی امور جزئی بموجب احکامیکه در دست دارند و امور کلی را بموجب نظام نامه بموقع اجراء میکنند (جمعی گفتند صحیح است)

حاج شیخ اسدالله - بنده باین صحیح است که آقایان فرمودند عقاید خود را تغییر ندهیم و عرض میکنم وزیر پست آن قسم دخالتی که وظیفه یک نفر وزیر مسئول است و باید در اداره خودش داشته باشد ندارد از این واضح تر عرض می کنم اداره پست در کلیات مطالبی که راجع بوزارت است خودش مستقیماً دخالت میکنند اگر این اختیارات را بدهیم دیگر به چوجه اداره پست وزیر را دخالت نمیدهد این است که عرض میکنم اداره پست باید تبدیل بوزارت پست شود.

مخیر - آقای شیخ اسدالله گویا آن اصلاحی که شده است هیچ ملاحظه فرموده اید نوشته شده است (اداره پست در حدود مقرر قانون مجازات این کار را بکند) وقتیکه این کلمه (حدود مقرر قانون) نوشته شد تمام مقصود ایشان انجام می یابد بلا حظه اینکه وقتی در حدود قانون باشد قانون هیچوقت نمیگوید اداره پست خودش مستقیماً این کار را بکند اداره پست باید بتصویب وزیر برساند و اگر یک چیزی است که بالاتر است باید بتصویب هیئت وزراء برسد و اگر یک چیزی است که بالاتر است باید مجلس مقدس شورای ملی بیاورد و یک محدود مقرر قانون نوشته شود باین مطلب معلوم است.

نایب رئیس - گمان میکنم مذاکرات کافی باشد (گفته شد کافیست) چند فقره پیشنهاد شده است قرائت میشود (پیشنهاد آقای مدرس بعضیون ذیل قرائت شد) پیشنهاد میکنم که در ماده نهم قبل از اشخاص مختلفه اضافه شود (با تصویب هیئت دولت)

مدرس - چون بنده این فرمایشی که شده شده اش را قبول ندارم و متکرم و عقیده ام بر این است که این ماده یک حق خواهد داد بیک اداره که این کار را پیش بگیرد و بموجب این ماده قانوناً حق خواهد داشت که با اشخاص مختلفه قرارداد ببندد (که در واقع لفظ خارجه را از این قانون برداشته اند و اشخاص مختلفه گذاشته اند) چون هیچ مطلب بزرگ را نباید با اداره پست اختیار داد حتی یک قدری هم بالاتر وزارتخانه هم نمیتواند باید بتصویب هیئت

دولت باشد لهذا بنده عرض میکنم که لفظ (حدود مقرر قانون) کافی نیست بجهت اینکه حدود مقرر قانون کجا است و چه است کدام ماده قانون نوشته شده است که این حدود مقرر با آنجا اشاره باشد لهذا باید تصریح کرد که اگر بخواید راجع باوراءالبحر یعنی با خارجه فراری بدهد باید بتصویب هیئت دولت برسد اداره تنها نمیتواند فراری بدهد باین جهت پیشنهاد کرده ام (به تصویب هیئت دولت) اضافه شود و آن پیشنهاد آقای حاج شیخ اسدالله هم که نوشته اند وزارت پست نوشته شود ضرری ندارد و رفع اشکال را میکند و الا این ماده ضرورتی از برای مملکت خواهد داشت.

معاون وزارت پست و تلگراف - بنده گمان میکنم در این ماده فقط آن کلمه ماوراءالبحر اسباب خیال و سوء ظن شده حالاً توضیح میدهم تا خاطر آقایان مسبق باشد که مقصود از این ماده چه چیز است مقصود این است که کشتی ها که در دریا از تجارت مختلف حرکت میکنند ممکن است با یک کشتی که از انزلی حرکت میکنند قرارداد کند کافتهائی را که حالا هفته سه روز با ستارا میرساند بعد هر روز آن کافد کافد ها را از انزلی با ستارا حمل کنند این مسئله محتاج بقرار داد دولتی نیست قراردادی است که معمولات یستی را حمل کنند چون در اینجا لفظ (ماوراءالبحر) ذکر شده است در این باب گفتگوهای زیاد می شود اما اینکه فرمودند باید بتصویب هیئت دولت باشد بنده خیلی تعجب میکنم که آنقدر سوءظن نسبت بیک وزیر مسئول میتوان داشت یک وزیر یکی مسئول کابینه امور این وزارت خانه است قرارداد می دهد که میفرماید بایک کسی بدهد که شما پست مراد برنج روزی برید باید بتصویب هیئت دولت برساند و وقت هیئت دولت مصروف این جزئیات بشود اگر وزیر در مقابل پارلمان مسئول است باید مطابق مقررات قانونی رفتار کند اگر وزیر بر خلاف مقررات قانونی اقدامی کرد البته مجلس شورای ملی حق سؤال و استیضاح و انقضا را دارد پس باید یک وزیری آنقدر اختیار داشته باشد که بتواند یک قراردادی بدهد بلکه وزیر میتواند این اختیارات را بر رئیس شعبه گیلان خودش بدهد که اگر چنانچه یک کشتی آمد تو میتوانی فوق العاده فرار بدهی که هفته چند روز کافد جات را حرکت بدهد این یک چیز خیلی ساده کوچکی است و هیچ قابل اینک به هیئت دولت برود و مذاکره شود نیست در این ماده کمیسیون خیلی نظریات کرده است و آن لفظ (حدود مقرر قانون) که نوشته شد از برای این بود که این جهات را نفرمایند.

نایب رئیس - آقای ممبر پیشنهاد آقای مدرس را قبول میکنید؟

مخیر - خیر.

نایب رئیس - یکدفعه دیگر پیشنهاد آقای مدرس قرائت می شود آنوقت رأی می گیریم.

(مجدداً قرائت شد)

مدرس - بنظر هیئت دولت محتاج الیه نیست نوشته شود (وزیر متبوع)

نایب رئیس - رأی میگیریم باین پیشنهاد آقای مدرس.

سردار معظم - باین اصلاح که عرض میبند دولت (وزیر متبوع) نوشته شود؟

نایب رئیس - بلی - آقایانی که این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند.

(اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - پس این ماده میروند بکمیسیون و سایر پیشنهاد ها را هم میفرستیم بکمیسیون شاهزاده محمد هاشم میرزا مرخصی دو ماهه خواسته اند و کمیسیون عریض و مرخصی تصویب نکرده است حالا بنظر آقایان نمایندگان است.

محمد هاشم میرزا - بنده میخواهم عرض کنم کمیسیون عریض چون تازه تشکیل شده بود از سابقه مرخصی خواستن مسبق نه بوده چنانچه در مجلس رسم بوده است هر وقت هر کسی اجازه مرخصی میخواستند کمیسیون او را برای توضیح میخواست ولی کمیسیون عریض بدون اینکه بنده را بخواند و توضیح بدهم رأی داده است.

حاج شیخ محمد حسن مخیر کمیسیون در صورتی که مقصود معلوم باشد محتاج بتوضیح نیست دو ماه مرخصی خواسته اند که بروند کارهای شخصی خود را اصلاح کنند و ضمناً حقوق هم دریافت دارند و این مطلب نه فقط برای ایشان است گمانم این است که جاندار مجلس تصویب کند در ماهیاسه ماه یک کسی برای اصلاح امور شخصی خود برود و از اینطرف از ماله ملت ارتزاق کند بلی بعضی اوقات ممکن است دو روزی یک روزیکه جزئیست مسامحه شود ولی یک کسی که دو ماه با سه ماه برای اصلاح امور شخصی یا اصلاح مزاج

نایب رئیس - خارج از موضوع است فقط در خصوص مرخصی شاهزاده محمد هاشم میرزا باید فرمایشی بفرمائید.

مخیر - بلی مقصود اینست که کمیسیون عریض مرخصی ایشانرا تصویب نکرده است و این فرمایشی را که میفرمایند بنده هم باید از فرمایشات ایشان بدین طریق دفاع کنم.

سردار معظم - بنده تصور نمیکنم موقع نداشته باشد کارگر یک نماینده گرفتاریهایی داشته باشد که برای اصلاح آنها مجبور شود که یک مدتی از این خدمت محروم بماند ما این حرفها را بر زمین مقام نمایندگان برای حقوق نیست و حقوقیکه در این جا داده میشود در واقع یک کمک خرجی است و در درجه دم اهمیت است پس بنده تصور نمیکنم سزاوار باشد یک نماینده در اینجا اظهار کند پول ملت را می گیرند و تمام این آقایان که برای خدمات ملی حاضر شده اند از روی اجبار نبوده است بلکه از روی کمال اختیار و آزادی حاضر شده اند انجام این خدمات را بدهند و حالیکه میخواهند یک مدتی مرخصی حاصل کنند لابد برای یک ترتیبات خانوادگی یا ترتیبیاتیست که نمیشود بیان کرد و بطوری که بنده اطلاع دارم برای آقای محمد هاشم میرزا لازم است بر اینکه حتماً یک چندی بروند بجهت اینکه کارهای شخصی و خانوادگی ایشان طوریست که حضور ایشان را موقتاً لازم دارد حالا اگر ما از رفتن ایشان صرف نظر کنیم چون مجبور هستیم در مقابل اجبار هیچ فوه نمی تواند جلوگیری کند پس این مسئله که درجه ششم و هفتم اهمیت را داراست باقی میماند که آیا در فیستایشان تصویب شود حقوق

ایشان داده شود به و بالاخره مجلس از این نقطه نظر باید رأی بدهد که مرخصی تصویب نشود اهمیت ندارد.

نایب رئیس - گویا مذاکرات در این باب کافی است - رایورت کمیسیون قرائت میشود بعد رأی می گیریم.

(بعضیون ذیل قرائت شد)

راجح برخصی آقای محمد هاشم میرزا بدست ۲ ماه برای مسافرت جهت اصلاح امورشان چون موقع گرمی هوا است و ممکن است که در جلسات در این موقع آقایان نمایندگان عموماً حاضر نشوند و رفته رفته مجلس از اکثریت بیفتد لهذا کمیسیون مرخصی ایشانرا تصویب ننمود.

نایب رئیس - رأی میگیریم برایورت کمیسیون آقایانیکه در کمیسیون مرخصی آقای محمد هاشم میرزا با اعتبار آخری تصویب میکنند رایورت کمیسیون را قیام نمایند.

(عده قبلی قیام نمودند)

نایب رئیس - مرخصی تصویب شد - چند فقره سؤال از آقای وزیر داخله است که باید بشود منجمه آقای آقا شیخ یعنی راجع بتنظیم اهالی کرمان سؤالی دارند.

آقا شیخ یحیی - نسبت بتنظیم اهالی کرمان نیست نسبت بحر فغانی است که برای دولت فراهم شده است سؤالم این بود که تقریباً سه سال است دولت سالی سیصد هزار تومان در کرمان خرج کرده است یعنی صدویست هزار تومان برای نظمی و قرا سوران و تقریباً سالی صد هزار تومان برای زاندارمری و سالی صد هزار تومان سواران بختیاری در حالیکه کرمان این خرج را لازم ندارد و اگر همان صدویست هزار تومان خرج کنند میتوانند کرمانرا بایک عده منظم کنند حالاً رجه میخواهند اسم بگذارند زاندارمری یا قرا سوران یا چیز دیگر و بیشتر از این مبلغ لازم نیست حالا چرا این خرج را بر دولت تحمیل کرده اند معلوم نیست اینست که از آقای وزیر داخله سؤال میکنم در خصوص مخارج کزراف چه نظری دارند؟

وزیر داخله - مسبق هستند که این هیئت دولت تقریباً یکماه است داخل در کار شده و در این یکماه یک مسئله مهمی که در کار بوده است مسئله بودجه است که در تمام وزارت خانه مشغول بترتیب بودجهها هستند و بودجه هم مسلماً بکمیسیون مجلس و از کمیسیون مجلس خواهد آمد و البته خود وزارتخانه ها هم در این موضوع هر چه بتوانند کم و کسر میکنند که برای دولت خرج زیاد نشود و اگر هم غفلتی بشود بایک نظری داشته باشند البته در کمیسیون مجلس تصحیح می شود و از آنجا هم بمجلس می آید باز تصحیح میشود و امیدواریم بطوریکه بتوانیم از خرج دولت بکاهیم.

آقا شیخ یحیی - سؤال بنده راجع بودجهها نیست شاید تا چند ماه دیگر بودجه بمجلس نیاید و تا بودجه بمجلس نیاید این سیصد هزار تومان را دولت باید خرج کند و حال اینکه نظمی طهران بهای ده هزار تومان اداره می شود اگر این طور باشد تا بودجه بمجلس نیاید باز همان سیصد هزار تومان را باید خرج کنند مقصود این است تا وقتی که بودجه بمجلس نیاید از این مخارجیکه هیچ فایده ندارد تصغیف میدهند یا خیر؟

وزیر داخله - سردار ظفر حاکم کرمان در مسافرت است و مکرر باو تا کبد کرده ایم که زودتر بکرمان مراجعت کنند و آن کارهاییکه داشت تمام کرده و همین چندروزه بشهر می آید و البته در این موضوع باید با خود حکومت هم مذاکره نمود و آقایان مسبقاً تا حکومت بشهر وارد شود نمی توانیم اقدامی بکنیم بعد از ورود تعقیبات لازم ابراز می شود و اقدام لازم بعمل خواهد آمد و بلاوه بودجه ها هم آنها را طول ندارد که بمجلس بیاید چون سه چهار ماه از سال گذشته است و اگر چند ماه دیگر بمجلس نیاید آخر سال خواهد شد باید بودجه ها تا ده یا زود روز دیگر بمجلس بیاید و انشاء الله در ظرف هفت روز یا زودتر روز کلیه بودجه ها بمجلس می آید و هر قسم که تصویب شد رفتار می شود

نایب رئیس - آقای حاج عزالممالک راجع بکرمانشاهان - زالی داشتند .

حاج عزالممالک - ترتیب کرمانشاهان طوری است که گویا لازم بتوضیح نباشد و مخصوصاً خود آقای وزیر داخله نسبت باحوالات آنجا سابقه دارند و بیسیاستی بوظایف خودشان همیشه یک جدیتی برمایند که زودتر امور آنجا اصلاح شود اگر چه سؤال بنده راجع بچندی قبل بوده و حالا شنیده می شود که دولت اقداماتی راجع بترتیب امنیت آنجا کرده ولی لازم بود که بنده رسماً از آقای وزیر داخله سؤال کنم که چه اقدامی را در نظر گرفته اند و تا چه درجه امردواری باصلاح امور آنجا خواهد بود

وزیر داخله - همان طوری که آقای حاج عزالممالک فرمودند امور کرمانشاهان خیلی اهمیت دارد همین طور هم هست و بنده هم در امور آنجا کمالاً بصیرت دارم بلاحظه اینکه شش سال در آنجا بودم یعنی سه سال در آن سفر و سه سال در این سفر و اقدامات هم که راجع با آنجا باید بشود هیچ صامعه نکرده ام و اقدام جدی در حفظ امنیت آنجا بعمل آمده و گمان می کنم خود آقای حاج عزالممالک با اطلاعی که دارند تصدیق می کنند که این حال امروزه کرمانشاهان هم که تا کون تا اندازه منظم مانده است از تکرار اوقات بنده بوده که بواسطه اطلاع و بصیرتیکه باحوال اهالی و رؤسای ایلات آنجا دارم مضایره شده و حالیه هم هیئت دولت دو تصمیم گرفته اند که خیلی مهم است تصمیم اولی این بود که سیصد نفر ژاندارم یا یکصد نفر صاحب منصب سولدی فرستادیم آنجا و این اقدام خیلی خوبی برای حفظ شهر و قوت نظام آنجا که همه سوار و پیاده داشتیم با نتیجه شده است و تصمیم دوم این بود که آقای اقبال الدوله را که خیلی سابقه و بصیرت در احوال آن جا داشتند بسمت حکومت معین کردیم و اهل آنجا اظهار بشاشت و حسن قبول خودشانرا در انتخاب ایشان نموده اند و فعلاً مشغول انجام دادن کارهای ایشان هستیم که انشاء الله زودتر ایشانرا بفرستیم

نایب رئیس - آقای ناصر الاسلام راجع بتوقیف جریده عصر انقلاب سؤال می دارند

ناصر الاسلام - بنده گریه و بگریه و در تشریح اهمیت مطبوعات بشوم که دولتمندانه چقدر استفاده از مطبوعات می کنند گویا محل انکار و تردید نباشد همچنین بر عکس ممکنست راجع بمطبوعات تظلمات انوری کرد یعنی اگر مقررات قانون راجع

بمطبوعات مراعات نشود آن حسن استفاده میسر به سوه استفاده می شود و بالاخره وارد می شوم در طبقات اشخاصی که به بیوجه از نوظائیفیکه در قانون معین شده است مراعات نکرده اند و بنده هیچ نمی توانم بگویم جریان مطبوعات در داخله مملکت چه نحو است آیا در این مدتی که آزادی برای مطبوعات در ایران دیده شده است یا مطبوعات بر حسب مقررات قانونی رفتار شده است یا خیر . بنده عقیده ام این است که اگر با مطبوعات مطابق مقررات قانونی رفتار بشود نهایت حسن استفاده حاصل خواهد شد و برعکس اگر بر خلاف مقررات قانون عمل شود سوه استفاده بعمل می آید در این دو هفته بدون مقررات قانونی دو روزنامه توقیف شده یعنی بدون این که داخل در مجامع شوند و بدون اینکه هیچ نوع قصوری یا ایراد و اعتراضی به مدیر مسئول آنها وارد کنند و یا او را با آن میراتب متذکر کنند توقیف کرده اند از شاهزاده و وزیر داخله سؤال می کنم که آیا در این خصوص می توانست جوابی بدهند که نمایندگان محترم را قانع کنند یا خیر؟

وزیر داخله - بلی آزادی مطبوعات خیلی مهم و مسلم است و باید هم باشد و این دو روزنامه را میگویند توقیف شده و هیئت دولت یعنی بتیغ زوال دولت مقتضی دانسته این دو روزنامه را توقیف کند و وقتیکه این سؤال به هیئت دولت رسیده بنده از هیئت دولت سؤال کردم که چه جواب باید گفت هیئت دولت اینطور تصمیم گرفته اند که در مجلس گفته شود باقتضای مصالح دولتی این دو روزنامه توقیف شده است و پیش از این نمیتوانم در مجلس توضیح بدهم .

ناصر الاسلام - خیلی متأسفم این توضیحی را که شاهزاده و وزیر داخله فرمودند بنده را قانع نکرده بنده چندان اطلاعی در این قبیل الفاظ ندارم فرمودند لهذا تقاضا می کنم چون تصمیم هیئت دولت نبوده است همین نظریه بنده را به هیئت دولت عرض کنند و برای یک جواب امتناع کنند حاضر شوند .

نایب رئیس - آقای خان باباخان راجع به امیر اعظم و تظلمات اهالی شاهرود سؤال می دارند .

خان باباخان - از قراریکه شنیده شده است اهالی شاهرود از امیر اعظم بوزارت داخله شکایت کرده اند

اولا - سؤال می کنم این شکایات بوزارت داخله رسیده یا خیر؟ و ثانیاً اگر این شکایات بوزارت داخله رسیده چه اقدامی کرده اند؟

وزیر داخله - شکایات از امیر اعظم بوزارت داخله رسیده است و بنده که در این ده بیست و دو روز داخل کار شده ام مشغول رسیدگی بدوسه آنها هستم و چون تا یک قسمت از اهالی شکایات کرده اند و ممکن است برخلاف یک قسمت دیگر اظهار رضایت کرده اند هر یک از نمایندگان بخواهند دوسه آنها را ملاحظه کنند بیایند بوزارت داخله و ملاحظه کنند چون اظهار رضایت خیلی زیادتر است باوجود این از امیر اعظم توضیح خواستام که ببینم در مقابل این شکایات چه میگوید و منتظریم که ببینم چه جوابی میدهد و سبب شکایت را چه میداند

خان باباخان - بنده مقصودم این نه بود که

ولی نتوانستند باطوریکه باید از لسان الدوله استنتاجات کاملی بعمل آورند یعنی لسان الدوله اقرار کرده و مسئله متروک ماند تا اینکه چهارده ماه قبل مجدداً اقرار بدیانت حاضرین مطلب را تعقیب کرده و از لسان الدوله استنتاجات لازم نموده موفق باخذ اقرارش و پس از اقرار خیلی چیزهای دیگر در این ضمن مکشوف شد این مطلب را دولت یکی از مطالب مهمه میدانند زیرا علاوه آنکه ارتکاب چنین عمل از طرف مأمور و امین دولت هتک شرافت و حیثیت مقام امانت و مأموریت را مینماید ضرورتی این مطلب هم از برای دولت ایران بیش از بیک روز تومان است باری در طی استنتاجات برای یار که هیچ معلوم شده است که در جزو اشخاص دیگری که با لسان الدوله شرکت داشته اند و معامله می کرده اند آقای ممتاز السلطنه هم دخیل بوده و بواسطه مدارکی که بدست آمده و عقیده مدعی عمومی این شده است ولی مسلم است که این مدارک کامل نخواهد شد مگر پس از استنطاق خود ممتاز السلطنه عیناً چون مدعی العموم یار که بدیانت هیچ استنباط کرده است که آقای ممتاز السلطنه در این موضوع معاملات شخصی کرده و واسطه فروش بعضی از این کتب چه قبل از تاسیس هیئت انکشافیه و چه بعد از حبس شدن لسان الدوله بوده و باضافه عنوان شرکتی هم نسبت باین نوع معاملات ممتاز السلطنه بوده است استنطاق مشارالیه را لازم دانسته و چون قانوناً نمیشود یک مأمور رسمی دولت را قبل از انفسال استنطاق و معاکه کرد مدعی العموم مذکور از مقام وزارت تقاضا نموده است بهیئت دولت نوشته شده که او را بخواهند تا این مطلب را وزارت عدلیه بوزارت خارجه ابلاغ کرد و جواب آن هنوز بوزارت عدلیه نرسیده است و چنانچه عرض کردم نظر هیئت دولت و وزارت خارجه هنوز معلوم نیست از نقطه نظر جریان اناری این امر آنچه راجع بوزارت عدلیه و مدعی العموم یار که بدیانت بود این بود که

مقتصر السلطان - امیر و امیر اعظم بطوریکه اظهار فرمودند و بنده و تمام مجلس را قانع نمودند این مطلب را تعقیب و تکمیل بکنند در جلسات دیگر اطلاع بدهند .

نایب رئیس - آقای ملک الشمره هم راجع بجراید مذاکراتی دارند

ملک الشمره - بهار - اگر چه ممکن بود بنده هم مثل آقای ناصر الاسلام سؤال می کردم و بیک جواب قانع میشدم ولی چون عرض بنده یک قدری اساسی تر است و میخواهم در جلسات صحبت کنم داخل در موضوع سؤال از آقای وزیر داخله نمیشوم زیرا اگر داخل در سؤال بشوم همان جوابیکه به آقای ناصر الاسلام فرمودند بنده هم میدادند و بنده هم ناچار بودم بر گردم سر جایی خودم بنشینم اگر چه مقصود بنده را آقای ناصر الاسلام با جمله های مقتصر کمالاً بیان فرمودند بلی مطبوعات خیلی اهمیت دارد ولی متأسفانه در ایران از ابتداء دائر شدن مطبوعات آزاد یعنی از روز داخل شدن ایران در دوره تجدید نه از روزنامه جات و مطبوعات یک حیات و طراوت غریزیه که لازمه مطبوعات است بیرون آمده و نه از روز اول تاکنون که ۹ سال از این دوره مطبوعات گذشته

است دیده ام که يك زمام قانونی برای مطبوعات باشد یا واقعاً خودشان بخط طبیعی افتاده و از روی يك اساس سیر کنند و با اینکه بینیم يك روزی دولت از مطبوعات راضی است یا آنکه يك روز مطبوعات از حمله دولت آسوده است بنده نه دولت را مقصر میدانم و نه مطبوعات را زیرا آنکس که قلم بر میدارد میخواهد خودش را در معرض سی کرور خلق جلوه دهد باید خیلی زحمت بکشد که مطالبش طوری نباشد که اسباب زحمت بشود اما از آن طرف که بدیعی است که بمطبوعات نمیشود ایراد گرفت و گفت وقتی که در مقابل شما قانونی و محکمه نیست شما چرا خوب نمی نویسید و باید خودتان بایند بیک قرار و قانونی بشوید بنده میخواهم مجلس شورای ملی را یادآوری کنم که مطبوعات ما با ان وظیفه مهمی که دارند و با آن استفاده هائی که از مطبوعات میتوانیم بکنیم و با آن وجه عمومی که مطبوعات در این مملکت دارند متأسفانه خود مطبوعات و من هم که يك عضو از مطبوعات طهران هستم متأسفم که چقدر مطبوعات بحمله های سخت گرفتار است و مع التأسف مجلس شورای ملی باین مسئله اهمیت نمیدهد و دولت هم باین آتش دامن میزند امروز دولت بدون معاکه و رسیدگی دو روزنامه ملی ما را توقیف بکنند و بکنند نماینده هم که از ایشان سؤال میکند جواب میدهد بتیغ زوال مملکت اینطور تصویب کرد و نمیتوانیم توضیح بدهیم صحیح است بتیغ زوال مملکت نمیتواند از این قبیل چیزها جلوگیری کند ولی آیا میتوانیم ما را مطمئن کند که در تمام روزنامه ها را توقیف نکنند و این جواب را بنا ندهند من نمیگویم جرئت رئیس و حاکم ادبیات روح معارف مملکت است همگی این مطلب را انکار نمیکنیم و ابتدا داخل در این عوالم نمی شوم همینقدر عرض می کنم اقل بقدر يك تجارخانه یا يك معازره نیست آنکس که تمام سرمایه خودش را بمرض اینکار بگذارد و فکرو منز خودش را در راه مردم مصرف میکند افلا باید بقدر يك معازره یا آنها اهمیت داده آیا میتوانی در يك معازره و تجارخانه را ببندی و بگوئی بتیغ زوال اینطور مقتضی دانسته شما قانون دارید و هر اقدامی که میکنی باید از روی قانون باشد بنده مجلس شورای ملی را مخاطب قرار داده میگویم باید مطبوعات را تأدیب کرد نباید آنها را اعدام کرد روزنامه را نباید اعدام کرد ، مجازات نکرد ، جریمه گرفت قانون مطبوعات شما فصل فصل ، جزه جزه برای هر کله که مخالف قانون نوشته شده جریمه معین کرده است مجازات معین کرده است هر روزنامه نویس برخلاف قانون مطبوعات يك کله بشوید فوراً او را ببرند در محکمه مطبوعات یعنی در وزارت عدلیه آن محکمه را تشکیل بدهید و قانون مطبوعات را بموقع اجرا بگذارید تا تمام مطبوعات تکلیف خودشانرا بدانند و بدانند اگر از خط قانون تخطی کردند مجازات میشوند آنوقت بنده اول کسی خواهم بود که در آن محکمه در مقابل قانون حاضر بشوم این کار را بکنید و قانون را اجرا کنید و بدون معاکه هیچیک از مجاری را توقیف نکنید عرض کردم خوب بود با معازره يك معازره چی بيك روزنامه اهمیت میدادند این هیچ صحیح نیست که وزیر داخله بفرماید ما مقتضی دانستیم

که روزنامه را توقیف کردیم و بیش از این نمیتوانم توضیح بدهم .

این جواب غیر قانونی است زیرا اگر در محکمه خلاف آنها معلوم می شد و این دو روزنامه توقیف میشد این سؤال هم نمی شد بنده تصدیق دارم که قلمهای ما گاهی ظالم واقع می شود همچنانکه ما خودمان اقرار داریم که گاهی قلمهای ما خونریز و جبار می شوند امروز می بینیم از قلم يك نویسنده در طهران نسبت بحقوق پارلمانی تخطی می شد در وقت یک نفر وکیل آزادی خواه حقوق طلب حسادت میشود من اگر وکیل و روزنامه نویس نبودم و وزیر بودم آن روزنامه نویس را خیلی بیشتر از آن مجازات میدادم ولی بنده از نقطه نظر روزنامه نویسی و از نقطه نظر وکالت میگویم که باید روزنامه نویس را ادب کرد نه اینکه اعدام کرد بلی روح آزادی خواه و مشروطه طلب راضی نمی شود يك روزنامه را بدون جهت و بدون معاکه اعدام کنند بنده استرحام بکنم درخواست می کنم که مقرر فرمایند در وزارت عدلیه يك محکمه که صلاحیت معاکه مطبوعات را داشته باشد مطابق قانون مطبوعات یا يك هیئت منصفه بنشیند و آن روزنامه نویس را که برخلاف قانون مطبوعات چیزی نوشته است معاکه کند و بعد از معاکه چنانچه خلاف کار است مجازات بدهند نه اینکه بدون معاکه روح ادبیات ملت را اعدام بکنند شما گواه است با این ترتیب که هیئت دولت رفتار میکند ضربه آن بملت میرسد و اگر مجلس شورای ملی در موضوع مطبوعات سهل انگاری کند و مطبوعات دچار ضرایب بیایی دولت بشوند مجلس دچار اشکالات خواهد شد یعنی آخرین ضربه او به مجلس ملی وارد خواهد آمد باز مجدداً عرض می کنم که خواست رعایت مطبوعات را بشانید و اگر زیادوری میکند آنها را تأدیب نمایند نه اینکه اعدام کنند

معاون وزارت عدلیه - اینکه بنده میخواهم جواب آقای ملک الشمره را عرض کنم باین ملاحظه است که اساس این مطلب راجع به وزارت عدلیه است اولاً با آن عقیده که این اظهار شد کمالاً موافقت داده و گمان می کنم هیئت دولت هم با این عقیده کمالاً موافقت داشته باشند و گمان می کنم در مملکت تا کسی نباشد که اهمیت مطبوعات و اهمیت آزادی آنها را حس نکرده باشد همه میدانیم که اولین وسیله ترقی و سعادت يك مملکت و اولین راه نجات يك ملت همان آزادی مطبوعات است ولی چون خود وکیل محترم قسمت دیگر این مسئله را ذکر فرمودند دیگر بنده گمان نمیکنم آن قسمت توضیحی لازم داشته باشد زیرا هر چه بخواهم عرض کنم بیان فصاحت و بلاغت که ایشان با کمال حق گذاری بیان فرمودند نخواهد شد همانطوریکه فرمودند مطبوعات که اسباب نجات يك ملت و راهنای ترقی و سعادت يك مملکت است همانطور هم ممکن است همین مطبوعات گاهی اسباب مضرات مملکت را فراهم آورد زیرا شاید يك نویسنده از حدود طبیعی و قانونی که نباید خیلی در سیاست مملکت مراعات کند گاهی خارج شود و این مطلب را خودشان تصدیق فرمودند فقط يك نکته مهمی که در فرمایشات ایشان لاینحل ماند این است که گفته میشود در صورتیکه این مسئله را هیئت دولت تصویب بکنند و مجلس هم حاضر است و عدلیه هم هست و قانون انطباقی هم که در خود

این مجلس نوشته شده حاضر و موجود است چرا روزنامه نویسی را معاکه نمیکنند این ایراد هم بمجلس وارد است هم بوزارت عدلیه بعلم اینکه قانون انتظارات ناقص است باین معنی که در یک قانون فقط کفایت نمیکنند معین کند که فلان اقدام فلان جرم را دارد یا فلان حرکت مجازاتش فلان است بلکه باید اصول معاکات و تمام شرایط لازم دیگر آنها هم مینماید باشد چون مخصوصاً قانون انتظارات قید دارد و حتی در قانون اساسی هم این قید هست که معاکه راجع بروزنامه نویسی و مطبوعات نباید در حضور هیئت منصفه شود حالا از آقای ملک الشمره سؤال میکنم اگر قانون هیئت منصفه را نوشته باشند و اگر معین نکرده باشند هیئت منصفه یعنی چه هیئت منصفه از کجا میآید و بجهت ترتیب انتخاب میشود و بجهت ترتیب کار میکنند در این صورت بنده تصور میکنم هیچ ایرانی بر هیئت دولت یا پروزارت عدلیه باشد اول کار بیک هیئت دولت و مجلس شورای ملی باید بکنند این است که مقدم تر از تمام قوانین قانون انتظارات را تکمیل بکنند و ترتیب هدایت و انتخاب هیئت منصفه را معین کنند تا بموقع اجراء گذارده شود وقتی که قانون انتظارات تکمیل شد البته هیچ هیئت دولتی حق نخواهد داشت با ملاحظه پلنیک ژنرال مطبوعات را بدون معاکه توقیف نمایند در اینجا یک مسئله را هم لازم است عرض بکنم که خاطر آقایان مسبوق باشد هیئت دولت در نظر گرفته است که ترتیب هیئت منصفه را معین کند یعنی در صدد تهیه یک پیشنهادی راجع بترتیب هیئت منصفه هست و امیدوارم در ظرف یک هفته یا ده روز آقایان بمجلس بیایند که انشاء الله بزودی بگذرد و تمام این اختلافات رفع شود.

نایب رئیس - این مسئله چون موضوع مذاکره نبود بعضی از آقایان اجازه خواسته اند که در این خصوص مذاکره نمایند باید رأی بگیریم که در این خصوص باید مذاکره شود یا خیر - آقایانی که تصویب میکنند در این موضوع مذاکره شود قیام نمایند.

(صده قلبی قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب نشد مطابق اصل ۳۴ قانون اساسی مجلس حق دارد بدون حضور تماشاچی جلسه خصوصی منعقد کند این است که ده نفر از آقایان نمایندگان تقاضا کرده اند که امروز دو ساعت بفرود مانده جلسه خصوصی منعقد شود اگر آقایان موافق باشند امروز دو ساعت بفرود مانده جلسه خصوصی داشته باشیم.

(تقاضا شد اصل ۳۴ قانون اساسی خوانده شود)

(و بمضمون ذیل خوانده شد)

اصل سی و چهارم - رئیس مجلس میتواند بر حسب لزوم شخصاً یا بخواهد ده نفر از اعضاء مجلس باو زوری اجلاس مجرمانه بدون حضور روزنامه نویسی و تماشاچی یا انجمن مجرمانه مرکب از ده منتخبی از اعضاء مجلس تشکیل بدهد که سایر اعضاء مجلس حق حضور در آن نداشته باشند لکن نتیجه مذاکرات انجمن مجرمانه وقتی مجری تواند شد که در مجلس مجرمانه با حضور سه ربع از منتخبین مطرح مذاکره شد یا اکثریت آراء قبول شود و اگر مطلب

در مذاکرات انجمن مجرمانه قبول نشد در مجلس عنوان نخواهد شد و مسکوت منه خواهد ماند.

سردار معظم - اولاً مسابق قانون اساسی بتقاضای ده نفر از نمایندگان مجلس میتواند جلسه خصوصی منعقد کند این عبارت (میتواند) مجلس مجبور نمیکند که حتماً جلسه خصوصی منعقد کنند پس باید دید که مجلس خصوصی لازم است یا نیست تجربه سابق بنده ثابت میکند که مجلس خصوصی لازم نیست در آن دوره که در مجلس بودیم مکرر جلسات خصوصی منعقد شد ابتدا نتیجه از آن جلسات خصوصی گرفته نشد جهت آنها معلوم است چون بقیه بنده هر هیئتی که میخواست کار بکنند اگر دید در کارها یک هیئت عالی تری و پاک مقام عالیتری هست که ناظر اعمال اوست البته از کار نتیجه گرفته خواهد شد جلسات مجلس چنانچه در همه عالم معمول است هلنی است چرا بجهت اینکه ما که در این جا جمع شده ایم کار خصوصی و شخصی نداریم که مربوط بخود و کلاً باشد کارهاییکه داریم چون بنام ملت ایران در اینجا جمع شده ایم راجع بملتان ایران می شود چون ما از طرف ملت ایران در اینجا آمده ایم و برای ملت ایران باید صلاح اندیشی بکنیم پس نمی توانیم یک مسائلی را مجرمانه مذاکره نمائیم باین لحاظ بنده بجلسات خصوصی عقیده ندارم شاید بگویند جلسه خصوصی یک محسنتی دارد و نتیجه آن در مجلس هلنی مکتوف خواهد شد ممکن است آن محسنتات جلسه خصوصی را که آقایان نمایندگان می فرمایند تبدیل بغير جلسه خصوصی کرد یعنی در خارج يك تبادل افکاري بنمایند و بعد در جلسه هلنی اظهار نمایند چنانچه عرض کردم تمام ملت باید ناظر اعمال نمایندگان باشند و افکار و عملیات ما را تنقیه کنند که خوب و بد آن از هم تیز داده شود در مجلس خصوصی یعنی در يك اطراق در بسته ملت چه میداند چه مذاکره شده است بمباراة اخرى کئی میفهمد از روی چه اساس حرف میزند علی - الغرض که مطابق قانون اساسی تصمیمات مجلس خصوصی هیچ رسمیتی ندارد فقط مجلس خصوصی را می توان بنظر يك کمیسیون ابتدائی نگاه کرد زیرا رأی آن قطعی نیست و هیچ اهمیت ندارد بنابر این بنده موافق نیستم که امروز عصر مجلس خصوصی منعقد شود و چنانچه مجلس فوق الاماده لازم است همین امروز عصر هلنی منعقد شود و مذاکره کنند بنده تصدیق دارم که بعضی مقتضیات هست که باید از بعضی مطالب جلوگیری شود ولی نباید میان خودمان بنشینیم و بطور خصوصی حرف بزنیم همان مقتضیات را در مجلس هلنی بگوئیم و با صدای بلند تری که تمام افراد ملت هم با مام صدا بشوند و يك قوه و کمکی برای حرفهای ما باشد منتهی ممکنست بعضی مسائل باشد که اصلاً آوردن آن مجلس هلنی صحیح نباشد بنده تصدیق دارم در این صورت ممکن است در اطراق تنفس (نه بعنوان جلسه خصوصی اسمی) و کلاً دور هم جمع شوند مطالب را تفصیلاً کنند که کدام مسائل صلاح است به مجلس هلنی بیاید و کدام مسائل صحیح نیست بعد از آن که تفکیک کردند آن وقت آن مسائل را تفکیک کردند آنوقت آن مسائلی را که به پلنیک و اوضاع مملکت حاضر ضرری ندارد بمجلس بیاورند و در مجلس مذاکره میشود که مردم هم بدانند و

اطلاع حاصل کنند بنده با مسائلی که راجع بيك مملکتی میشود آن مسائل را مخصوص بخودتان بدانیم و برویم در يك اطراق در بسته بنشینیم حرف بزنیم و افکار مردم را بواسطه این جلسات خصوصی خودمان زیادتر مترازل کنیم مغالطه و ابداء تصویب نمیکنم پس از این نقطه نظر بنده هیچ معتقد بجلسات خصوصی نیستم علی الخصوص چنانچه عرض کردم يك تجربه که دارم و آن اینست که ممکن است جلسات خصوصی منجر بيك نتایج کوچک خبیلی بدی شود و اغلب اوقات هم امتحان کرده ایم که بعضی مسائل مظهر بعضی مسائل دیگر است که بعد میآید و مجلس خصوصی را تجربه بسا نشان داده است که در مملکت ما مظهر بهران است بنابراین تجربه های گذشته به بنده اجازه میدهد که بگویم مجلس خصوصی لازم نیست - پس چون ممکن است جهانیکه موجب این امر باشد پیدا شود یا خوب یا بد فرق نمیکند هلل باید گفته شود همه مردم بدانند و به تکالیف خود رفتار کنند اوضاع مملکت ما اجازه نمیدهد ما در این موقع در مسائل مهمه تقنینی بکنم لهذا باز عرض میکنم با مجلس خصوصی مخالفم و تمام مسائل باید در مجلس هلنی اظهار شود تا مردم هم اصلاح داشته باشند.

مدرس - در دره سابق هم بعضی اوقات بعضی مجالس خصوصی بود و اما آن مجالس خصوصی که بود با این مجلس خصوصی که بگوش ما خورد تفاوت دارد و برای اطلاع خاطر آقایان نمایندگان عرض میکنم فرضاً در امور مملکتی يك چیزی بنظر من بیاباد آقای رئیس تقاضا میکنم آقایان و کلاً را جمع نمایند که با هم دیگر بنشینیم يك تبادل آرائی بکنیم و يك نتیجه وفائده از آن تبادل آراء حاصل کنیم و آن نتیجه و قانون را در مجلس هلنی اظهار نمائیم زیرا ممکن است اگر بخواهیم در مجلس هلنی در آن خصوص مذاکره شود آن نتیجه را که منتظریم حاصل نشود و اینکه آقای سردار معظم میفرمایند ما از جلسات خصوصی هیچ فایده نمیدانیم خاطر مبارکشان را متذکر میسازم که گویا فراموش فرموده اند که اغلب وقایع دوره سابق در مجلس خصوصی صورت گرفت از آمدن محمدعلی میرزا و سالارالدوله و اولتیماتو تور غیره و غیره اگر صورت آنها را آقای از باب یک خسرو ضبط کرده باشند ممکن است ملاحظه فرمایند که خبیلی از مطالب هم در مجلس خصوصی انجام داده شد معنی مجلس خصوصی مهم این است که تبادل آراء دوستانه میشود یعنی اگر يك خطائی کرده اند دوستانه بمن میگویند و رفع آن خطا را میکنم و این مسئله بهیچوجه و رسمیت ندارد من هم قانع میشوم که مطلب تصفیة شد در مجلس هلنی بیاید و در ظرف بیست دقیقه رأی گرفته میشود و گمان میکنم آقایان تصدیق فرمایند که بعضی مطالب است که بدو آن میشود در کوچه و بازار رواج داد ولی بعد از آنکه آن مطلب تصفیة شد ممکن است بديگران بگوئیم و الا قبل از آنکه تصفیة کنیم نباید فکر نیخته خامیرا زیر کوچه و بازار رواج بدهیم و اگر تبادل آراء شود موافق تصویب نخواهیم شد لهذا عرض از تقاضای مجلس خصوصی این است که آقایان و کلاً با کمال توجه و ودادیکه با هم دارند در مجلس خصوصی با هم تبادل آراء نمایند و همان طوریکه عرض کردم بسا هست که بنده خطائی کرده

باشیم وقتیکه دوستانه بنشینیم حرفی بزنیم ممکن است بندرها از خطای خود قانع کنند تا اینکه اگر منتج به نتیجه شد در مجلس هلنی مطرح شود و گمان این است که باین ترتیب آقایان حرفی نداشته باشند چون از اصل يك سابقه داشته است و تصور میکنم ضرری هم نداشته باشد و اما اینکه میفرمایند رأی آنها در مجلس خصوصی هیچ رسمیت ندارد و رسمیت آن ابتدا مطرح مذاکره نیست

نایب رئیس - گمان میکنم مذاکره کافی است - در این موضوع رأی بگیریم آقایانیکه موافق نیستند که مطابق اصل ۳۴ قانون اساسی يك جلسه خصوصی منعقد شود ...

مدرس - رأی گرفتن لازم نیست این يك تقاضای قانونیست

نایب رئیس - بلی قانون اساسی اجازه نمیدهد که رأی بگیریم

آقای فاضل - بنده پیشنهاد میکنم که روز شنبه جلسه خصوصی باشد و جلسه رسمی روز یکشنبه باشد

نایب رئیس - رأی میگیریم بتقاضای آقای فاضل آقایانیکه تصویب میکنند بسا مجلس خصوصی روز شنبه باشد قیام نمایند

(اکثر قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد - آقای معاون وزیر عدلیه فرمایشی دارند؟

معاون وزارت عدلیه - متأسفانه بنده میخوام شکایت کنم از کمیسیون عدلیه در صورتیکه بزرگترین وظیفه مجلس همان نوشتن قانونست خصوصاً وقتیکه آن قانون مجازات باشد از آن وقتیکه قانون مجازات عدلیه ارجاع بکمیسیون شده است هنوز اعضاء کمیسیون سر وقت در کمیسیون حاضر نشده اند در صورتیکه اولین چیزیکه برای این مملکت اهمیت دارد و لازم است قانون مجازات است و آقایان اعضاء کمیسیون هیچ اهمیت باین مسئله نمیدهند بموقع حاضر نمی شوند در صورتیکه نمایندگان تصدیق خواهند کرد که امروز قانون مجازات خیلی اهمیت دارد و باید خیلی زود بگذرد بنده از مجلس استعفا دارم بهر وسیله که اصلاح است يك تا بکند و توجهی فرمایند که در این مسئله یک قدری دقت شود و زودتر این قانون بگذرد

عدل الملک مخیر - چون بعضی کارهای مهم دیگری در کمیسیون است که اهمیت دارد و مطرح مذاکره است باین قانون مجازات مصادف شده است که یک قدری طول کشیده البته بعد از تمام شدن آن کارها کمیسیون چه میکند که زودتر راپورت خودش را بدهد و اینکه میفرمایند اعضاء کمیسیون سر وقت حاضر نمیشوند و کمیسیون منعقد نمیشود تصور نمیکنم اینطور باشد بواسطه اینکه خیلی کم اتفاق افتاده است عده کافی نباشد فقط چیزیکه هست چیزهاییکه در کمیسیون مطرح مذاکره است يك اصل دارد که تا آن اصل حل نشود نمیشود داخل در قانون مجازات شد و در خصوص اهمیت قانون البته خود کمیسیون هم تصدیق دارد که قانون مجازات خیلی اهمیت دارد و اعضاء کمیسیون هم مواظبت خواهند کرد که انشاء الله بزودی راپورت آنرا تقدیم نمایند و تمهید میکنند که دقت فرموده و زودتر راپورت خودشانرا بدهند

نایب رئیس - جلسه آتیعه روز یکشنبه سه ساعت قبل از ظهر و دستور آن شود در بقیه قانون یستی خواهد بود

(مجلس تقریباً بیست دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

جلسه ۴۸

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه ۲۹ شهر رجب المرجب ۱۳۲۳

مجلس یکساعت و نیم قبل از ظهر در تحت ریاست آقای معذل الدوله نایب رئیس تشکیل و سورتمجلس روز پنجشنبه ۲۶ قرائت شد.

غائبین با اجازه - آقایان ناصر الاحلام - حاج شیخ اسمعیل.

نایب رئیس - در صورت مجلس نظریاتی هست؟ (مخالفتی نشد) نظری نیست صورت مجلس تصویب شد. مذاکرات امروز بقیه شور دوم قانون یستی است از ماده (۱۱).

(ماده ۱۱ بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۱۱ - اداره پست مجاز است که مراسلات غیر قابل توزیع را یعنی مراسلاتی را که اداره پست نمی تواند بفرستد و گیرنده برساند باز نماید تا بتواند اطلاعات لازمه را از محتویات آنها بدست آورده و مراسلات مذکور را یا اشیاء و اسناد قیمتی که در جوف آنهاست بصاحبانش برساند این افتتاح در اداره مرکزی پست توسط يك نفر مدیر شعبه و در حضور دو نفر از مستخدمین پست معمول میشود مراسلات غیر قابل توزیع که صاحبی از پرايش پیدا نشود پس از انقضای مدتی که تعیینش بادلست مرسوم خواهد گردید ولی یا کتهای قابل توزیع زود تر از یکسال مرسوم نخواهد شد.

حاج شیخ محمد حسن گروسی - در اینجا نوشته شده است اداره پست مجاز است که مراسلات غیر قابل توزیع را باز نماید (نامیرسد به آنجا) بیکه میگوید (مراسلات غیر قابل توزیع پس از انقضای مدتی که تعیینش بادولت است مرسوم خواهد شد) این جمله با جمله بدمش که میگوید (ولی یا کت های غیر قابل توزیع زودتر از یکسال مرسوم نخواهد شد) تنافی دارد اگر موضوع این دو جمله يك چیز است که این دو جمله با هم دیگر تنافی دارد و اگر دو چیز نیست خوب است آقای مخیر توضیح بدهند که رفع شبهه از بنده بشود.

مخیر - خیر این دو جمله یکی است ولی اینجا خواسته است بفهماند که یا کتهای غیر قابل توزیع تا یکسال مرسوم نخواهد شد ممکن است دولت مدت را دو سال سه سال یا بیشتر قرار بدهد ولی زودتر از یکسال مرسوم نخواهد شد.

حاج شیخ محمد حسن - حالا که فرمودند موضوع دو جمله یکی است خوب بود این طور نوشته میشد (ولی مدتی را که دولت معین میکند کمتر از یکسال نخواهد بود) چون اگر عبارت را بهمین صورت باقی بگذاریم گاه میشود که در يك مورد هشت ماه یا شش ماه معین کنند در اینصورت این مطلب تنافی با فقره بعد پیدا میکند اگر این قسم نوشته شود که مدت کمتر از یکسال معین نمیشود باین طریق رفع اشکال میشود و الا اگر بحال خود بگذاریم فقط در يك مورد این دو جمله با هم موافقت

پیدا میکنند و آن مورد در صورتی است که دولت یکسال معین کرده باشد والا اگر هفت ماه هشت ماه معین کند تنافی پیدا میکند فقط اتحاد این دو جمله در يك صورت است و آن وقتی است که دولت کمتر از یکسال معین نکند

مخیر - خوب است پیشنهاد کنید

حاج شیخ محمد حسن پیشنهاد میکنم

حاج شیخ حبیب الله - می فرماید مراسلات غیر قابل توزیع که صاحبش الی آخر و بنظر بنده هیچ محتاج الیه نیست که نوشته شود (ولی یا کات غیر قابل توزیع زود تر از یکسال مرسوم نخواهد گردید) بجهت این که یا کت جزء همان مراسلات است اگر این عبارت اخیر راجع بهمین مطلب اول است که محتاج مذاکره آن نیستم و اگر غیر از این است بفرمایند تا معلوم شود

نایب رئیس - ماده ۱۲ خوانده میشود تا پیشنهاد آقای حاج شیخ محمد حسن برسد

(ماده ۱۲ برور. بمضمون ذیل خوانده شد)

ماده ۱۲ - وجوهانی که بداره پست سیرده می شود و وجوهی که در یا کات غیر قابل توزیع بافت میشود و پستخانه بهیچوجه نمی تواند بصاحبانش برساند پس از اعلان رسمی و انقضای مدت ۳ سال از تاریخ تحویل پستخانه ضبط خزانه دولت میشود و همچنین اشیائیکه در امانات یستی غیر قابل توزیع و صاحبان آنها معلوم نیست بترتیب و مدتی که اداره پست تعیین مینماید بفروش رفته و قیمت آنها در صورتی که از طرف صاحبانش مطالبه نشود پس از انقضای مدت فوق الذکر متعلق به خزانه دولت خواهد بود.

حاج شیخ محمد حسن گروسی - در این ماده می گوید (وجوهیکه در یا کتهای غیر قابل توزیع یافت میشود و همچنین اشیائی که در امانات یستی یافت میشود که پستخانه نمی تواند بصاحبانش برساند بترتیبی که اداره پست معین مینماید بفروش رفته پس از انقضای مدت معینه متعلق بخزانه دولت خواهد بود) چون بعضی اشیاء سریع القساد است در آنجا لازم است این است که بفروشد ولی بعضی اشیائی که سریع القساد نیست خوب است عین آن اشیاء تا انقضای مدت بماند بلکه صاحبش پیدا نشود آن وقت باو بدهند و اگر سریع القساد است بهمین ترتیبی که نوشته شده است رفتار شود و لای اگر قابل ضبط است ضبط شود و عینش بماند بلکه صاحبش پیدا شود

حاج شیخ اسد الله - در این جا نوشته شده است پس از انقضای موعده فوق الذکر متعلق به دولت خواهد بود در شور اول هم راجع به این فقره پیشنهادی شد که وجوهی که از اینجمل بیامدند بصرف خیریه و مدارس ایتماء مسروف شود و به این پیشنهاد رأی گرفته محل توجه شد و بکمیسیون رفت معذالك کمیسیون عین ماده را عودت داد است و ابتدا متعرض آن پیشنهاد نشده است بنده عقیده ام اینست بهمین طور که پیشنهاد شده است و مجلس هم قابل توجه قرار داده نوشته شود که (وجوه عانی از اینجمل بصرف خیریه برسد) حالا اگر عبارت را بخواهند تغییر بدهند حرفی نیست که تمام وجوه

باید بخرانه دولت برسد ولی باید مصرفی برای آن قرار داد که این قبیل وجود بصرف ایتم و مداس و مریضخانه برسد

مخیر - علت این که در کمیسیون این پیشنهاد قابل توجه نشد این بود که اگر به اداره است اختیار داده میشد که خودش این وجوه را بصارف خیریه برساند این عبارت نوشته میشد خیلی خوب بود ولی در صورتیکه اداره است باید تحویل بوزارت مالیه بدهد تکلیف اداره مالیه است این کار را صورت بدهد در این صورت وقتی که قوانین مالیه از مجلس میگردد باید نوشته شود این قبیل وجوه است که از هر اداره بخرانه دولت میرسد باید دولت به مصارف خیریه برساند اینستکه ربطی بقانون پستی ندارد اداره است فقط تکلیف این است که این قبیل وجوه است که میرسد بخرانه دولت تسلیم نماید و بهیچوجه اداره است نمیتواند این وجوه را جزو دخل پستی محسوب بدارد البته این وجوه را که ضبط شده باید بخرانه دولت بدهد

نه در قانون پستی - **حاج سید اسدالله قزوینی** - در شورای اول این مطلب گفته شد و حالا گفته میشود نباید این جهت را که نمایندگان معترض نشدند اگر مقصود این است بصورتیکه نوشته اند متعلق بدولت خواهد شد و آقای مخیر هم میفرمایند که در اینجا نباید نوشت بنده عرض میکنم در این قانون صریحاً نوشته شده است متعلق بخرانه دولت خواهد شد و حال آنکه ابتدا متعلق بدولت نیست و شما که این قانون را میخوانید و بدست دولت میدهید ابتدا موافقت با قوانین شرع انور ندارد پس مردم را نمیشود بیچاند اگر ایننامه همین طور باقی بماند مخالف با شرع است و قانونی که مخالف با شرع باشد قانونیت پیدا نخواهد کرد - زیرا مال مجهول المالك متعلق بکسی نخواهد شد و باید بصارف خیریه برسد آنهم بتصویب حاکم شرع

معتصم السلطنه - در اینجا چیزی که مخالف قانون شرع باشد دیده نمیشود و بطوریکه آقای مخیر فرمودند اینمطلب جایز در قانون پستی نیست و جوهی که در پاکت یافت میشود اداره است باید بداره مالیه تسلیم کند ممکن است آقای حاج سید اسدالله یاد بزرگان چند ماده قانون بنویسند و پیشنهاد کنند که این قبیل وجوه باید بصرف ایتم و مدارس و سایر امور خیریه برسد و متعلق بدولت نیست تا اینکه موافق قانون شرع مصرف شود مقصود اینست که چون اداره است این وجوه را بصرف نمیبراند و باید بخرانه دولت تسلیم کند باینجهت نمیشود اینمطلب را جزء قانون پستی نوشت

حاج شیخ حبیب الله - عرض میکنم در اینجا غیر از این ترتیب شکل دیگری هست اصلاً نباید ایجاد اینطور نوشته شود بواسطه اینکه حال دولت نباید از حال ادنی مردم است تر باشد زیرا اگر یک مالی را بیک شخص ضمیمی بنا بیک مکاری بیایم بعد از مدتی آن شخص آن مال را پس میدهد در ایننامه نوشته شده است امانتی که صاحب پیدا شد آن امانت بدولت سیرده میشود و در اینصورت باید

از بین برود این هیچ معنی ندارد و باید همانطور که آقای سید اسدالله فرمودند بصورتیکه شارع مقدس معین کرده است برسانند خدای تعالی در قرآن مجیدش میفرماید (ان الله یامرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها) باید امانات با اهلش برسانید امانت است کسی نمیتواند بصرف در آنها کند (این يك مقدمه) مقدمه دیگر آنکه میبویسد (بعد از يك مدتی آن امانت را میفروشد کسی چه حقی دارد مال دیگری را بفروشد این چه چیز است که نوشته شده است میفروشند و بدهم متعلق بدولت خواهد بود چرا باید بفروشد و چرا باید متعلق بدولت باشد

نایب رئیس - اما این مسئله را که فرمودند مخالف با شرع است عبارت این ماده ابتدا مخالف با احکام شرع نیست پیشنهاد آقای مدرس فرمودند قرائت میشود و رای میگیریم

(پیشنهاد مزبور بمضمون ذیل قرائت شد) پیشنهاد میکنم که بتوان تبصره بعد از ماده دوازدهم نوشته شود دوقطره وجوه در ماده فوق که بعد از انقضای مدت صاحبش پیدا نشده باید بصارف خیرات عمومی برسد

نایب رئیس - آقای مدرس توضیحی دارید **مدرس** - محتاج توضیح نیست میخوام تصدیق بکنم فرمایش آقای مخیر راه اینطور است که فرمودند البته اموال دولت هر کدام مصرفی دارد که بعد از انقضای زیادتر خواهد شد مصرف عمده این قبیل وجوه مریضخانه و مدرسه ایتم است و اینهم جزء آن اموال دولت است که باید صرف این قبیل مصارف خیریه شود و باید این مطلب در این ماده تصریح شود و مقصود ما از این تبصره اینست که بعد از آنکه تحویل خزانه داری شد مصرفش معلوم باشد و اشتباه نشود که صرف جای دیگر نشود و باید معلوم باشد که این چه مالی است و باید بوجه مصرف برسد

مخیر - بنده این پیشنهاد را قبول میکنم - **نایب رئیس** - حالا که قبول میکنند در این ماده با این تبصره رای گرفته میشود

سیرده میشود از طرفی هم معلوم نیست که کی بصرف میرساند مثل این است بطوریکه بعد در قانون نوشته خواهد شد باید بصرف برسد لهذا نوشتیم بخرانه دولت سیرده میشود و بصارف خیریه میرساند و حال آنکه گویا مقصود آقای مدرس هم این باشد که این مال بکلی از مال دولت مجزی است و نباید بخرانه دولت سیرده شود بصارف خیریه برسد حالا اگر لفظ (متعلق) را از ماده بر میدارند بنده پیشنهاد را پس میگیرم والا نظر بنده این است که بخرانه دولت سیرده شود و بصارف خیریه برسد

مدرس - بنده از این پیشنهاد ابا ندارم اگر میخواهند بصورتیکه پیشنهاد کرده اند بنویسند و اگر هم میخواهند لفظ متعلق را بردارند در هر حال مقصود یکی است

حاج شیخ محمد حسن - عرضی دارم **نایب رئیس** - راجع باین پیشنهاد است یا تبصره هم قابل اصلاح است

حاج شیخ محمد حسن - در ماده است این تبصره هم قابل اصلاح است

نایب رئیس - پیشنهاد کنید **حاج شیخ محمد حسن** - پیشنهاد کردم **نایب رئیس** - پیشنهادتان امضاء ندارد و باید بوجه نظامنامه امضاء کرده باشید **حاج شیخ محمد حسن** - فراموش کردم امضاء میکنم **نایب رئیس** - پس ماده ۱۳ قرائت میشود تا پیشنهاد برسد

قبض دولت را میان میبرد و اعتباری برای اداره است باقی نمی ماند **حاج شیخ حبیب الله** - این قبض را که فرمودند فریفته و علامت است نه این است که طلب اورا ثابت کنند این قبض فریفته و نشانه است نه اینکه دلالت بر طلب داشته باشد بخرانه هم اعتبار دارد اگر اداره است اعتبار نمیداشت مردم ما را با آنجا نمی دادند لهذا ذکر این مطلب لازم نیست و باید حذف شود

مدرس - محض استحضار خاطر بعضی از آقایان عرض میکنم اداره بخرانه در حقیقت وکیل گیرنده لهذا من هیچمفهمم که وقتی مال بدست او رسید مثل این است که بدست همانطرف رسیده باشد و اینکه بعضی از آقایان میفرمایند بدست صاحبش نرسیده است بنده عرض میکنم چون اداره عموماً از طرف مردم وکیل است لهذا در واقع بدست صاحبش رسیده باینجهت در قانون نوشته اند که بعد از آنکه قبض بدست طرف رسید فرستند نمیتواند پس بگیرد بلی اگر اداره است اجنبی بود بصورتیکه بعضی از آقایان میفرمایند ولی فرض این است است که اجنبی نیست لهذا وقتی که بدست او میرسد در واقع بدست طرف رسیده و گمان میکنم در قانون اشکالی نباشد **نایب رئیس** - اگر مذاکرات را آقایان کافی میدانند رای گرفته میشود

(گفته شد کافی است) **نایب رئیس** - پس آقایانیکه با این ماده موافقت قیام خواهند فرمود

(عده کثیری قیام نمودند) **نایب رئیس** - تصویب شد پیشنهاد آقای حاج شیخ محمد حسن راجع ب ماده (۱۱) قرائت میشود و بعد در قابل توجه بودن آن رای میگیریم

(پیشنهاد بمضمون ذیل قرائت شد) پیشنهاد میکنم که در عرض (ولی یا کتبهای غیر قابل توزیع الی آخره) نوشته شود ولی تعیین مدت کمتر از یکسال نخواهد بود

مخیر - این اصلاح قبول شد **نایب رئیس** - پس رای میگیریم ب ماده بزردهم با این اصلاحی که شده است آقایانیکه موافقت قیام خواهند فرمود

(اغلب نمایندگان قیام نمودند) **نایب رئیس** - تصویب شد - آقای حاج شیخ محمد حسن در ماده دوازدهم هم پیشنهادی کرده اند باید در قابل توجه بودن آن رای بگیریم

(غالباً قیام نمودند و ماده ۱۴ بمضمون ذیل قرائت شد) **ماده ۱۴** - امتیاز انحصاری طبع و فروش تمبر پست و سایر علامات راجعه بمقوق پستی با دولت است

نایب رئیس - در این ماده مخالفی هست؟ **حاج شیخ محمد حسن** - اینجا که نوشته شده است امتیاز انحصاری طبع و فروش تمبر پست است راجع پستی نیست با دولت است (گفته شد نوشته شده است با دولت است)

حاج شیخ محمد حسن - پس بنده اشتباه کرده ام **سردار معظم** - بنده يك توضیحی میفرمادم اگر چه در شور اول بنده نظرم این بود که انحصار تمبر را از بخرانه بگیرند و بدولت بدهند ولی چون قبلاً يك قانون دیگری از مجلس گذشته است باید این قانون طوری نوشته شود که مخالفت و تناقضی با آن قانون نداشته باشد و آن قانون تشکیلات مالیه است - ما در قانون تشکیلات مالیه طبع تمبر را واگذار کردیم بوزارت مالیه حالا این مسئله در قانون پستی نوشته شده است در عمل اسباب اشکال میشود و تصور میکنند تمبرهای راجع بباله را باید وزارت مالیه تهیه کند در صورتیکه نباید اینطور باشد و اوراق قیمتی را نباید ادارات مختلفه تهیه کنند بلکه باید طبع اوراق قیمتی در یکجا تمبر کر پیدا کند که دولت کاملاً از حساب آنها بتواند اطلاع داشته باشد لهذا مطابق قانون تشکیلات مالیه وزارت مالیه را از برای ابتکار تعیین کرده اند پس بنا براین باید این مسئله در اینجا تصریح شود که باید تمبر و اوراق قیمتی در آنجا تهیه شود و بعد چنانکه در تشکیلات مالیه نوشتیم با ادارات مربوطه تحویل داده شود چون اوراق قیمتی خیلی است تمبر در عدله لازم است در بخرانه لازم است و در تکرار گفته شد باید هم بصورت از برای نوافل لازم است خیلی از ادارات مختلفه هستند که اوراق قیمتی لازم دارند که اگر بنا بر این ادارات اجازه تهیه اوراق قیمتی را بدهیم اسباب اشکال میشود پس باید يك اداره متصدی ابتکار باشد و آن اداره البته بر حسب طبیعت باید وزارت مالیه باشد و بعد بقدر لزوم با ادارات مختلفه تحویل بدهد

حاج شیخ اسدالله - در فرمایش منطقی که آقای سردار معظم فرمودند آقای معاون که ساکنند آقای مخیر هم که باید دفاع کنند نمیکند در واقع وظیفه طبع تمبر را در قانون تشکیلات مالیه معین کردیم دیگر دوباره امتیازش را برخلاف آن قانون که هنوز ده روز نگذشته است با اداره دیگر دادن هیچ سزاوار نیست و گمان میکنم همان قانونی که گذشته است کفایت میکند و باید بکلی این ماده از اینجا حذف شود

معاون وزارت پست و تلگراف - بله اینکه در ایننامه مذاکره نکردم برای این بود که بنده هیچ اختلافی نمی بینم دولت یعنی چه یا وزارت مالیه یا وزارت پست هر کدام را فرض کنید دولت است اما برخلاف این عقیده که اظهار فرمودند لفظ (دولت) را بهتر میدانم چرا؟ بهات اینست که اگر

(عده قبلی قیام نمودند) **نایب رئیس** - رد شد - آقایانی که با ماده ۱۳ موافقت قیام خواهند فرمود

در قانون تشکیلات مالیه نوشته باشد تهیه تمبر متعلق بباله است بخرانه خود وزارت مالیه يك روزی برای صرفه دولت لازم بدانند که با اداره پست اجازه دهد بیک ترتیب منظمی اینکار را بکنند حالا در ایننامه که نوشته است با دولت است در واقع ما اختیار را بدولت واگذار کردیم چه وزارت پست چه وزارت مالیه فرق نمیکند تمام اینها بالااصاله دولت هستند پس در اینصورت این مذاکرات چندان لازم نیست

نایب رئیس - يك پیشنهادی از طرف آقای وقار السلطنه شده است قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که بجای (با دولت است) نوشته شود با وزارت مالیه است

وقار السلطنه - اگر چه اینمطلب در قانون تشکیلات وزارت مالیه نوشته شده است ولی گمان میکنم اگر در قانون پستی هم تصریح شود چندان ضرری نداشته باشد **نایب رئیس** - آقای سردار معظم فرمایشی دارید بفرمائید

سردار معظم - در پیشنهاد غیر از امضاء کمیسیون کسی نمیتواند حرف بزند اگر پیشنهاد را خواننده بودید ممکن بود بنده فرمایش خود را عرض کنم

نایب رئیس - پس رای میگیریم به پیشنهاد آقای وقار السلطنه آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند

(عده قبلی قیام نمودند) **نایب رئیس** - رد شد - پس رای میگیریم موافقت قیام فرمائید

نایب رئیس - در ماده (۱۶) مخالفی هست ؟
حاج شیخ حبیب الله - در این جا دو مطلب که راجع باصلاح عبارتی است یکی اینکه نوشته شده است دو متقال شش شاهی و بعد برای هر متقال با کسر متقال سه شاهی و دیگر اینکه نوشته شده است یا کت هائیکه از یک نقطه الی دو فرسخ اطراف فرستاده می شود (الی دو فرسخ اطراف) غلط است باید نوشته شود (بسی اطراف) اما مطلبی که لازم است عرض کنم این است که در اینجا نوشته شده است (ممکن است) امکان یعنی چه وقتی نوشته شد ممکن است تخفیف بدهند ممکن است هیچ نگیرند پس باید معین کنند که چه اندازه تخفیف بدهند تا ما بتوانیم رأی بدهیم چیزی را که نماندیم چه قدر است حضور می توانیم رأی بدهیم و اما اینکه نوشته شده است حداقل یک شاهی و حد اکثر دوشاهی و و کول بنظر اداره است باز هم این مسئله حکم امکان را دارد و قابل رأی نیست زیرا چیزی که معین نشده است و نمی دانیم چیز است حضور می توانیم رأی بدهیم .
مخبر - اولاً اصلاح عبارتی همان طور که گفته شد بکسیون رجوع می شود اما اینکه نوشته شده است اداره است ممکن است تخفیف بدهد برای این است که ممکن است در وقت جایی یا کت خیلی زیاد باشد و برای اداره است صرفه داشته باشد در این صورت اداره است در کرایه تخفیف بدهد و یک شاهی یا دوشاهی گرفته میشود و اگر یک جایی یا کت زیاد باشد و عده محدودی یا کت بیستگانه بیاورند مخارج اداره است زیادتر از عایداتش میشود البته اداره است باین کرایه کفایت نمیکند این است که باختلاف در هر جایی قیمتی میگردد .

حاج شیخ حبیب الله - در ماده (۱۶) مخالفی هست ؟
 ماده ۱۷ - هر یا کتی بدون ادای حقوق است بیست خانه داده میشود و گیرنده بخواهد او را قبول نماید دو برابر حقوق معینه در فصل سابق از گیرنده آن یا کت دریافت خواهد شد مکانات بدون تمبری که از طرف فرماندهان کشتی بر حسب مسطورات فصل چهارم این قانون به است داده میشود از اجرای مندرجات این فصل مستثنی است و ماف مستند فقط مادل حقوق متعارف است از گیرنده یا کت دریافت خواهد شد .
نایب رئیس - مخالفی نیست ؟
حاج شیخ محمد حسن - بنده در اینجا دو پیشنهاد کرده ام حاضر است قرائت شود .
حاج شیخ حبیب الله - در این ماده در یا کتهائی که در داخل ملک فرستاده میشود از میان مردم و فرماندهان کشتی فرق گذاشته است (که از مردم مقابل و از فرماندهان کشتی یک مقابل گرفته شود)
 چه فرق میان فرماندهان کشتی و مردم است که باید از دیگران ۲ مقابل و از فرماندهان کشتی یک مقابل گرفته شود و حال آنکه دولت در اینجا حق خودش را زمین بگذارد در صورتیکه هر دو ایرانی و هر دو در ایران هستند چه جهت دارد از من که مثلا فرمانده کشتی هستم باید یک مقابل و از دیگران دو مقابل گرفته شود .
مخبر - البته باید در شهرها ۲ مقابل بگیرند بجهت اینکه مردمانی که در شهرها هستند البته تمبر برای آنها موجود است و وقتی که تمبر نمیزند معلوم است عمدا این کار را کرده اند اما در کشتی وقتی که یک کسی یک کافندی را می آورد بفرمانده کشتی میدهد و تمبر ندارد معلوم است عمدا این کار را نکرده البته تمبر نداشته است این است که نوشته شده است از فرماندهان کشتی وقتی که یک یا کتی بآنها تسلیم میشود و آن فرمانده کشتی یک بندری وارد میشود آن یا کت را به بستخانه آنجا میدهد کرایه را باید یک برابر بدهد .
نایب رئیس - دو فقره پیشنهاد از آقای حاج شیخ محمد حسن است قرائت میشود .
 (بضمون ذیل قرائت شد)
 در فصل (۱۷) دو فقره پیشنهاد میباشیم - یک فقره معذوف بودن این ماده و یک فقره عوض دو برابر حقوق معینه الی آخر نوشته شود حقوق متعارف از گیرنده اخذ شود .
نایب رئیس - این دو فقره که مرفوع فرمودند یکی راجع به حذف است حذف نمیتواند پیشنهاد کنید پس چیزی که می ماند فقره دوم است
حاج شیخ محمد حسن - این دو فقره را در ماده پیشنهاد کرده ام اگر اولی قبول شد که این ماده حذف میشود و اگر قبول نشد بآن ترتیب که در فقره ثانی پیشنهاد کرده ام آنطور نوشته شود .
نایب رئیس - حذف نمیتوانم رأی بگیریم و نماینده نمیتواند حذف ماده را پیشنهاد کند .
حاج شیخ محمد حسن - نمی دانم جهت چیست که نمی توانم حذف این ماده را پیشنهاد کنم .
نایب رئیس - مطابق نظامنامه داخلی مجلس نمی توانیم در فقره اولی که راجع به حذف است رأی بگیریم فقره ثانی اگر توضیحی دارید

برمانند
حاج شیخ محمد حسن - در فقره ثانی توضیح میدهم اینکه نوشته شده است (دو برابر گرفته میشود) در صورتیکه کس دیگر کافذ را که مینویسد دیگری پولش را میدهد دیگر این (دو برابر) بی جا است
نایب رئیس - بسیار خوب رأی میگیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای حاج شیخ محمد حسن آقایانی که پیشنهاد ایشان را قابل توجه میدانند قیام نمایند
 (عده قبلی قیام نمودند)
نایب رئیس - در ماده (۱۷) همانطوریکه قرائت شد آقایانیکه ماده (۱۷) را تصویب میکنند قیام نمایند .
 (عده کثیری قیام نمودند ماده ۱۷ تصویب و ماده ۱۸ بضمون ذیل قرائت شد)
 ماده (۱۸) - حقوق پستی کارت پستالها بیکه از داخله بداخله ملک ارسال میشود دوشاهی است و حقوق کارت پستالها بیکه در فرقه مخصوصی برای جواب بان ملصق است چهار شاهی .
نایب رئیس - در ماده (۱۸) مخالفی نیست ؟
 (اظهاری نشد) ماده (۱۸) رأی میگیریم آقایانیکه این ماده را تصویب میکنند قیام نمایند .
 (عده کثیری قیام نمودند)
نایب رئیس - تصویب شد ماده ۱۹ قرائت میشود .
 (بضمون ذیل قرائت شد)
 ماده (۱۹) - حقوق پستی مجلات متناوبه و کتب و اوراق صحافی شده جلددار یا بی جلد و اوراق اخباریه و اعلانات و صورت قیبت اشیا و کتب مطبوعاتی که از داخله بداخله ارسال میشود بدین ملاحظه عده اوراقی که در تحت یک لثاف بسته شده است باستانی جرائد از فرار هر ده متقال یا کسر ده متقال دو شاهی است و وزن هر بسته هم نباید از چهار صد متقال تجاوز کند . اجرت پستی جرائدی که از داخله بداخله ارسال میشود هم از یک نمره و یابسته نصف حقوق مذکور در فوق است .
مخبر - در این ماده یک اصلاحی در کبسیون شده که فراموش شده است طبع و توزیع بشود و آن اصلاح این است که هر ض میکنم اجرت پستی جرائدی که ارسال میشود طراز قرار هر دوازده متقال یا کسر دوازده متقال یک شاهی است .
نایب رئیس - میفرمایند در عوض ده متقال ۱۲ متقال باید نوشته شود .
مخبر - بلی
سر دار معظم - نظر بنده همین بود که آقای مخبر فرمودند بنده عقیده ام این است که اگر در عوض دوازده متقال که فرمودند چهارده متقال نوشته شود بهتر است بجهت اینکه نظری که ما در اینجا داریم در واقع ترویج جرائد است نظری دیگر نداریم مثلا وقتی که بخواهند یک روزنامه را یک جایی بفرستند یک اضافی باو می بچسبند که تا بقصد برسد ضایع نشود و گمان میکنم که چهارده متقال بهتر باشد زیرا یک روزنامه چند ورقی که لثافی هم داشته باشد کمتر از ۱۴ متقال نخواهد شد البته ارباب جراید بهتر مسوق هستند .

نایب رئیس - آقای مخبر این اصلاح (۴) متقال را قبول مینمایند ؟
مخبر - بنده خودم شخصاً برای روزنامه هائیکه از داخله بداخله ارسال میشود یک عقیده دارم و آن این است که این چهارده متقال را که فرموده اند از برای یک نمره خوب است نه اینکه چندین نمره جریده را روی هم بگذرانند و آن وقت از قرار ۴ متقال اجرت پست بدهد زیرا ممکن است که یک روزنامه تأسیس شود که هشت ورق باشد آن وقت آن روزنامه از دوازده متقال زیادتر میشود پس این چهارده متقال که فرمودند از برای یک نمره خیلی خوب است یعنی اگر یک نمره روزنامه چهاره متقال شد یک شاهی بدهند .
محمد هاشم میرزا - چنانچه در کافذ یک حدی قرار دادیم که باید وزنش دو متقال باشد و اگر از دو متقال تجاوز کند آن اضافه را از فرار یک متقال یک متقال حساب میکنم در جرائد معینی این است که حدش را دوازده متقال قرار بدهند و اگر از دوازده متقال تجاوز کرد از فرارش متقال شش متقال حساب کنند و همچنانکه در یا کت اگر از دو متقال تجاوز کند یک متقال یک متقال حساب بکنند در جرائد هم ممکن است ماخذ را ۱۲ متقال قرار بدهیم و اضافه را از فرار شش متقال که نصف دوازده متقال است معین کنیم که از دوازده متقال صد دینار اخذ شود و از هر شش متقال یا کسر شش متقال که اضافه میشود یک شاهی اخذ شود
مخبر - ملاحظه میفرمایند اگر قیمت هر دوازه متقالی صد دینار بود عیب نداشت ممکن بود باین ترتیب نوشته شود اما به جهت قیمت هر دوازده متقال یک شاهی است و نمی شود شش متقال شش متقال بالارفت
نایب رئیس - ماده (۱۹) قرائت می شود رأی میگیریم
 (مجدداً ماده مزبور با تبدیل لفظ ده متقال به دوازده متقال قرائت شد)
مخبر - اشباه شده است از برای مطبوعات همان ده متقال است دوازده متقال فقط راجع بجراید است .
نایب رئیس - پس ماده را تصحیح بکنید تا رأی بگیریم همانا تا آقای مخبر ماده ۱۹ را اصلاح میکنند ماده بیستم قرائت میشود ماده ۲۰
 ماده (۲۰) - جرائد و کتب و کلبه مطبوعاتی که در یا کت سرباز ارسال میشود و حقوق معینه در فصل ۱۹ این قانون تعلق میگیرد ولی اختصاص این قسم مرسولات بر این است که حقوق پستی آن از دوشاهی کمتر نمیشود کارتهای (ویزیت) که بترتیب مذکور ارسال میشود بجز خطی نوشته شود محل ایراد نیست بشرط آنکه هیچ ورقه چایی یا شیشی دیگری به همراهی او ارسال نشود .
نایب رئیس - در این ماده مخالفی هست ؟
 (اظهاری نشد)
 آقایانی که این ماده را تصویب میفرمایند قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند)

(فقره اولی از فصل ۲۱ بضمون ذیل قرائت شد)
 فصل (۲۱) حقوق مخصوصه معینه در فصل ۱۹ بقدرات ذیل تعلق نمیگیرد .
 اولاً مطبوعاتی که قائم مقام وجوه نقدینه باشند
نایب رئیس - در قسمت اول مخالفی نیست ؟ (اظهاری نشد)
 قسمت ثانی خواننده میشود (بضمون ذیل قرائت شد)
 ثانیاً مطبوعاتی که مضامین حکم مرسولات شخصی را داشته باشد و برای گیرنده یک قسم اختصاصی را داشته باشد .
نایب رئیس - آقای حاج شیخ یوسف در قسمت ثانی فرمایشی دارید ؟
حاج شیخ یوسف - بلی در این فصل تصریح میکند که حقوق مفید در فصل ۱۹ باین اشباه تعلق نمیگیرد آن حقوقی که تعلق میگیرد کدام است چون آن حقوقی را که بآنها تعلق میگیرد تصریح ندارد محتاج بیک ماده است که معین کند کدام حق بآنها تعلق میگیرد .
نایب رئیس - آقای مخبر توضیح خواهند داد
معتصم السلطنه - در اینجا محتاج نیست که ذکر شود کدام حق بآنها تعلق خواهد گرفت بجهت اینکه اینها حکم کافذ های معمولی دارد و بهمان ترتیبی که برای آنها ذکر شده است رفتار میشود منتهی ما در جرائد و مطبوعات یک تعقیبی از برای ترویج آنها قائل شدیم در این جا مقصود این است که این قبیل مطبوعات از آن ترتیب مستثنی هستند محتاج بتصریح ماده قبل نیست .
حاج شیخ یوسف - در اینجا مینویسد از مطبوعاتی که قائم مقام وجوه نقدینه باشند حقوق معینه در فصل ۱۹ گرفته نخواهد شد و حقوق هادی از آنها گرفته میشود مقصود این است این مطبوعات که قائم مقام وجوه نقدینه هستند و حقوق هادی که از آنها گرفته میشود چه قسم مطبوعاتی خواهند بود .
مخبر - این قبیل مطبوعات مثل این است که یک اسکانس را جوف یا کت گذارند باشند بخواهند بفرستند به منظور آن که در مواد قبل ذکر شد باید حق الضمانه بدهد والا اگر بنا باشد بطور معمولی فرستاده شود ضبط خواهد شد .
سر دار معظم - بنده حق با آقای حاج شیخ یوسف است وقتی که مطلبی را از یک قانونی استثناء میکنند باید در خود آن ماده هم بنویسند که چه حقوقی بآنها تعلق خواهد گرفت مطلب توضیح میشود و بهیچوجه قابل اشکال نخواهد بود .
نایب رئیس - پیشنهادی دارید بفرمایند .
سر دار معظم - خیر .
نایب رئیس - پس میگردیم -- فقره سوم قرائت میشود .
 (بضمون ذیل قرائت شد)
 ثالثاً - مطبوعاتی که دارای بعضی ملامت هستند که بتوسط آنها که شخصی مقاصد شخصی خود را بیکدیگر اظهار مینمایند
سر دار معظم - این اشکالی که شد راجع بتمام ماده است اولاً وثانیاً وثالثاً راجع بتمام آنها باید نوشته شود حقوق فوق برایشان تعلق نمیگیرد و مطابق

ماده فلان رفتار خواهد شد .
حاج شیخ اسد الله - بنده تصور میکنم که اگر باین منوال در این ماده رأی بگیریم کسی رأی ندهد و این ماده حذف شود خوب است برگردد بکبسیون و در آنجا اصلاح شود بجهت اینکه نسبت به ریاست از مستثنیات حقوق مختلف و متفاوت تعلق میگیرد مثلا مطبوعاتی که در حکم حقوق نقدی است که در این جا مستثنی میشود تکلیفشان معلوم نیست این است که بنده تقاضا می کنم در این ماده رأی گرفته نشود و برگردد بکبسیون اصلاح شود که اگر رأی گرفته شود حذف شود بدست
مخبر - در فصل (۱۶) گمان می کنم تصریح شده باشد بملایه نوشتجات از دو قسم خارج نیست یا نوشتجات معمولی است یا مطبوعات است مطبوعات را که ما نوشته ایم حقوق مخففه بآنها تعلق می گیرد و از نوشتجات معمولی هم که نوشته شده است از هر دو متقال ۶ شاهی گرفته می شود و حقوق یا کت سفارشی و غیره هم که معین شده است حالا بآنها اگر بطور مطبوع است که همان حقوق مخففه بآنها تعلق می گیرد و اگر بطور مطبوعات معمولی باشد ناچار در حکم نوشتجات خواهد بود و حقوق یا کت از آنها گرفته خواهد شد دیگر در این جا محتاج بتوضیح نیست
سر دار معظم - اگر ما بخواهیم این مستثنیات را موقوف کنیم بماده (۱۶) ماده ۱۶ بعضی چیزها را شامل است و بعضی اشیا را شامل نیست و عقیده بنده این است که باید در خود ماده تصریح شود که بهر یک از این اشباه چه حقوقی تعلق می گیرد این اصلاح عبارتی است ضرر ندارد و اصلاح شود
معاون وزارت پست و تلگراف - چون در فصل سابق تخفیفی بمطبوعات قائل شده است در این فصل می خواهیم در کند و بگویند این قبیل مطبوعات حکم مطبوعات را نخواهد داشت و آن تخفیف داده نخواهد شد و وقتیکه اینطور استثناء می شود ناچار حقوق غیر مطبوعات در اول است و حکم مرسولات خواهد داشت دیگر در این ماده محتاج بتوضیح نیست بجهت اینکه در ماده قبل ذکر کرده است که مرسولات چه حکم را دارد اما اینکه می فرمایند در این ماده ذکر شود وقتیکه قیمت مرسولات و محمولات تماماً در ماده قبل قید شد و این اشباه هم از چند حال خارج نمی شد بعضی حالت یا کت سفارشی را پیدا می کنند حقوق یا کت سفارشی هم که در آنها نوشته شده و از آنها گرفته می شود و همچنین آن مطبوعاتیکه قائم مقام وجوه نقدینه باشد حالت وجوه نقدینه را دارد و حق الضمانه را که در این قانون معین کرده اند باید بدهند پس فقط مقصود از این ماده استثناء کردن مطبوعاتی است که حکم مطبوعات را ندارد تکلیف غیر مطبوعات هم در مواد قبل معین شده و معلوم است بهر یک از آن اشباه چه حقوقی تعلق میگیرد در این جا هم همانطور رفتار خواهد شد .
سر دار معظم - باز ما نتوانستیم مقصود خودمان را بیان کنیم در صورتیکه با اصل مخالف نیست بلی در آنجا تصریح میکنند که حقوق اوراق یا کت جرائد مطبوعات و وجوه نقدینه و غیره هر یک چقدر است ولی در اینجا که استثناء میکنند باید معین شود که